

امپراتوری باروت مروری به دوران صفوی

تاثیر و مقایسه

فهرست

2.....	پیشگفتار
2.....	گفتگو
5.....	چارت خانوادگی صفوی
7.....	مقایسه دو خانواده سلطنتی انگلستان و ایران
8.....	دگرگونی مذهب
10.....	سازمان دهی دادو ستد
11.....	بهبودی حمل و نقل
12.....	نقش زنان
17.....	پایتخت
19.....	پی آمد
20.....	بانوان شجاع و ماجراجو
22.....	امپراتوری باروت
23.....	روابط ایران با خارج
23.....	بر آیند
24.....	تصاویر سفر های شاردن به ایران
35.....	منابع

اطلاعات زیادی درباره تاریخ ایران دوران صفویه در دسترس علاقمندان تاریخ میباشد. این اطلاعات در مورد شاهان و سران صفوی و تا حد نیاکان آنان میباشد. از آنجا که عموم تاریخ شناسان به اهمیت سلسله صفویه و تاثیر سیاست های آن در ایران و جهان موافق میباشند، در این نوشتار در کنار بررسی کوتاهی از سلسله صفوی، نگاهی مختصر به اوضاع اجتماعی و نقش زنان این دوران و همچنین تاثیر مهم این سلسله بر ایران و بطورکل بر جهان قرن شانزدهم و هفدهم خواهیم داشت. و برای درک واقعی تغییرات اساسی که در دوران صفوی اتفاق افتاده و تاثیر جهانی آن باید نگاهی کوتاه به قرون وسطی در ایران کرد بدون شک این نوشتار کوتاه خالی از اشکال نیست ولی نویسنده این یادداشت کوتاه کوشش دارد که موردهای جالب و قابل استفاده برای دوستان تاریخ ایران بیان کند

گفتگو

عباس جوادی در نوشتار خود "قرون وسطی در ایران و منطقه" باور دارد که "تعبیر «قرون وسطی» (قرون وسطا، سده های میانه) چیزی نسبی و قراردادی است. این تعبیر درتاریخ شناسی ابتدا در غرب بکار رفته است. در تاریخ شناسی غرب عموماً «قرون وسطی» با حاکمیت کنستانتین بزرگ قیصر روم در اوایل قرن چهارم میلادی شروع میشود و با کشف های جغرافیائی (پایان قرن پانزدهم) تمام میشود. در شرق، ما چنین مرحله ای در تاریخ نمیشناختیم. از این جهت تعیین حدود و ثغور قرون وسطی در ایران، خاورمیانه، آسیای صغیر و آسیای میانه قراردادی است و میتواند وابسته به هر مورخ و نویسنده فرق کند"

قرون وسطی ایران

نویسنده نوشتار حاضر واژه "قرون وسطی ایران" را از دوره فرو ریختن سلسله ساسانیان بوسیله اعراب مسلمان در 650 میلادی تا آغاز سلسله صفویان در 1500 میلادی قرار میدهد. در این دوره 850 ساله با ظهور و بسط اسلام؛ سلطنت اسلام در مناطق ایران، قفقاز، آسیای صغیر، ماورالنهر و آسیای میانه؛ کوچ ترکان و تغییر دین اکثریت مردم این مناطق به اسلام؛ حمله مغول و تیموریان؛ ترکیب اجتماعی، سیاسی و قومی جدید که در این مناطق تاثیر بسیار عظیم داشت؛ بوجود آمد طبق گفته جوادی مشخصات قرون وسطی در ایران به قرار زیر میباشد

- آثار فروپاشی روزافزون دو امپراتوری عباسیان در شرق و بیزانس در غرب منطقه وسیع خاورمیانه و پیدایش حکومت های محلی که ظاهراً تحت فرمانروای این دو امپراتوری بودند. نبردها و جنگهای بی پایان بین حکومت های محلی و حکومت های مرکزی
- دوران کوتاه آرامشی نسبی (دوره غزنویان و سلجوقیان) و پیشرفت تجارت و علم و دانش
- رشد ادبیات و علوم سنتی مانند طب، ریاضیات، نجوم، فلسفه و فقه این دوره در تاریخ ایران بینظیر بود
- کوچ سهمگین و ممتد ترک ها از آسیای میانه به خراسان و نتیجتاً به تمامیت ایران، ترکیه، قفقاز و عراق امروز که باعث تغییر موازنه سیاسی و اجتماعی در ولایات و مناطق مختلف به نفع قبایل ترک بود. با وجود این کوچ های وسیع؛ بی ثباتی سیاسی، دست به دست گشتن قدرت، فراز و فرود سلسله های خرد

وکلان، رقابت و جنگ بین رقیبان قدرت (حتی برادران و خویشان داخل یک خانواده)، غارت و یغما عادی و معمول بود.

- مستقر شدن کوچندگان در مناطق مساعد برای دامداری و کشاورزی و یا مناطق مرزی برای دفاع از مرزها، رانده شدن مردم محلی این مناطق بدلیل فشار مالیاتهای سنگین
- تغییر زبان های حاکم به ترکی به دلیل ترکیب قومی در این مناطق
- تاثیر کوچ ها روی فرهنگ و مذهب (رایج شدن اسلام و سنت در آناتولی و بیزانس)
- ویرانی کشوری که نتیجه حملات خصمانه مغول بود
- به قدرت رسیدن و از بین رفتن خوارزمشاهیان و اتابکان ترک تبار و سپس به قدرت رسیدن دو حکومت منطقه ای قراقویونلو و آق قویونلو که رقیب یکدیگر بودند
- رواج تسنن در سراسر ایران به جز برخی از مناطق
- وجود و پراکندگی معتقدین به مذهب تشیع در ایران با اینکه برای کوتاه مدتی خاندان های مانند آل بویه به قدرت رسیده بودند
- نفوذ تدریجی ولی مصرانه و روزافزون ترک های سلجوقی و دیگر قبایل ترک به آسیای صغیر و فروپاشی نهائی امپراتوری بیزانس، رقابت بین گروه های مختلف ترک تبار در مناطق مختلف و بالاخره تاسیس امپراتوری عثمانی

در این دوره تاریخ شاهد طلوع و افول سلسله های مختلف مظفریان، آل بویه، زیاریان، سامانیان، صفاریان و طاهریان میباشد که هر کدام تاثیر مخصوصی در ایران تحت حکومت اعراب داشت. در این شرایط دودمان صفوی با پیشینه اصیل ایرانی بوجود آمد، و به قدرت رسیدن آنان اثری بسیار عمیق در تاریخ ایران و جهان داشت شد.

دودمان صفوی از 1501 میلادی تا 1736 میلادی با پایان دادن به قرون وسطی در ایران و ایجاد دولتی مدرن به مدت 235 سال حکومت کردند (ویکیپدیا). اهمیت دولت صفوی نه تنها در یکپارچه کردن ایران به عنوان یک کشور، بعد از 850 سال تحت حکومت اعراب و ترک؛ بلکه شناسایی آن به دنیای آن روز میباشد. صفویان ایران را به عنوان یک کشور مهم و با شناسایی مرزهای مشخص به دیگر کشورها به صحنه جهانی آوردند. تبارنامه خاندان صفوی بخوبی واضح نیست. در کتب تاریخ عمومی ریشه این خانوار ترک شناخته شده است. در منابع مختلف دیگر آنها خود را از خانواده پیامبر اسلام و نوادگان وی شناسایی کرده اند. ولی صفت گل (2006) اشاره میکند که کهن ترین اثر نوشته شده که به پیش از سال 1501 میلادی باز میگردد کتابی به نام صفوه الصفا نوشته ابن بزاز اردبیلی که از مریدان شیخ صدرالدین فرزند شیخ صفی الدین بود، میباشد. در این کتاب شیخ صفی الدین از نوادگان شخصی گُرد به نام فیروز شاه زرین کلاه شناسایی شده است. برای مشروعیت بخشیدن به پادشاهی خود، شاهان صفوی کتاب صفوه الصفا را دستکاری کرده و خود را از تبار محمد و امامان شیعه میشمردند. ولی امروزه به عقیده بیشتر پژوهشگران اصالت صفویان به کردها و کردستان و فیروز شاه زرین کلاه

سنی باز میگردد که در قرن یازدهم میلادی به آذربایجان کوچ کردند. روی این اصل خاندان صفوی خانواده ای ایرانی تبار و از آنچه که پیداست اهل سنت شافعی بودند.

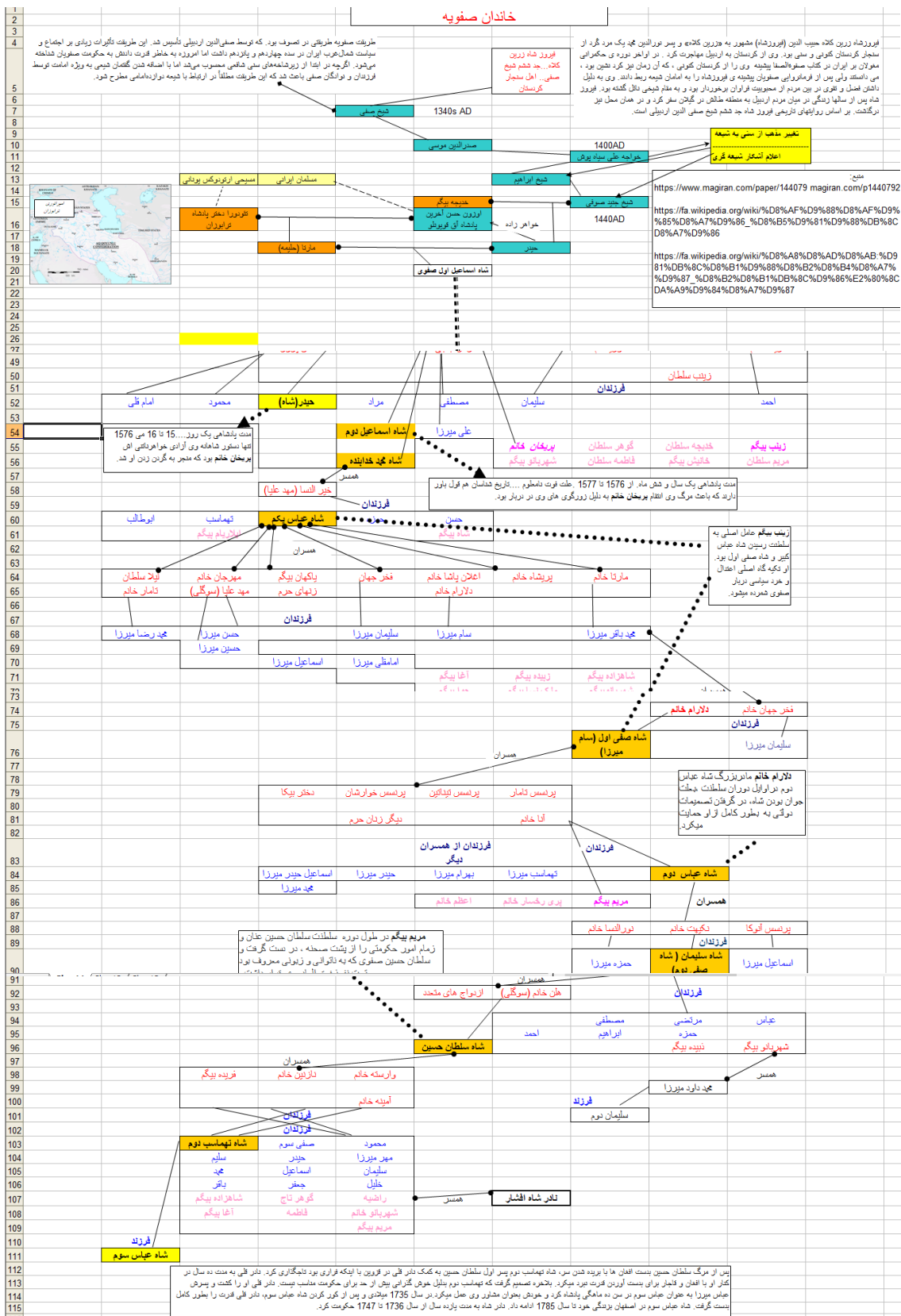
فیروز شاه زرین کلاه حبیب الدین (فیروز شاه) مشهور به «زرین کلاه» پسر نورالدین محمد گردی اهل سنجار در کردستان کنونی و اهل سنت شافعی بود. وی از کردستان به اردبیل مهاجرت کرد. به دلیل داشتن فضل و تقوی در بین مردم از محبوبیت فراوان برخوردار بود و به مقام شیخی نائل گشته بود. فیروز شاه پس از سالها زندگی در میان مردم اردبیل به منطقه طالش در گیلان سفر کرد و در همان محل نیز درگذشت. بر اساس روایتهای تاریخی فیروز شاه جد ششم شیخ صفی الدین اردبیلی است (صفت گل، 2006).

طریقت صفویه طریقتی در تصوف بود که توسط صفی الدین اردبیلی تأسیس شد. این طریقت تأثیرات زیادی بر اجتماع و سیاست شمال غرب ایران در سده چهاردهم و پانزدهم میلادی داشت و امروزه دلیل قدرت دادن به حکومت صفویان شناخته می شود. اگرچه این فرقه در ابتدا زیرشاخه سنی شافعی محسوب می شد اما با تبلیغات شیعه ای به ویژه ادعای امامت توسط فرزندان و نوادگان صفی باعث شد که این طریقت مطلقاً در ارتباط با شیعه دوازده امامی مطرح شود. (انوشهر)

از دوران صفی الله که موسس طریقت تصوف بود تا زمان نوه وی خواجه علی سیاهپوش خانواده صفوی اهل سنت بوده و صوفیگری یکی از مکتب های سنی شافعی بود. به گفته ویکیپدیا حمدالله مستوفی در کتاب خود نزه القلوب به این موضوع اشاره کرده که "اکثر آنها بر مذهب شافعی اند و مرید صفی الله علیه الرحمه اند".

خواجه علی سیاهپوش مانند پدر بزرگش و بعد از او پدرش صدرالدین موسی مرشد و پیر خانقاه دراربیل بود. خواجه علی سیاهپوش در زمان تیمورلنگ (1368 میلادی) میزیسته و گزارشهای درباره برخوردهای کوچک وی با لشکریان تیمور وجود دارد. وی از فشار طبقه حاکمان سنی مذهب بسته آمده بود و مریدانی در این رابطه داشت (ویکیپدیا). او مریدان خود را به مخالفت با اهل تسنن ترغیب کرده و ایشان را درمقابل ظالمان و قدرتمندان سنی، مدعی انتقام مظلومان آل علی میدانست. گرایش نسبت به اهل بیت و دوری از "دشمنان" آنان، اساس و اصل طریقت بشمار میامد. سنت شعیه از این پس مذهب خانواده خواجه علی و فرزندان و نوادگان وی شد.

شیخ علی با همراهی پیروان خود که بطور ممتد زیاد میشدند بر علیه خانواده آق قویونلو که در آذربایجان قدرت داشتند نبرد میکرد. بعد از شیخ علی، خاندان صفویه به مبارزه خود بر علیه فرمانداران سنی ادامه داد. بالاخره برای تغییر دادن اوضاع، شیخ جنید نوه شیخ علی با خدیجه بیگم خواهر اوزون حسن آخرین پادشاه آق قویونلو ازدواج کرد و دارای فرزندی به نام حیدر شد. حیدر با مارتا خانم که دختر داییش، دختر اوزون حسن و تنودورا (دسپینا خاتون) شاهزاده ترابوزان، بود ازدواج کرد. ثمره این ازدواج اسماعیل بود که بعداً با پیروزی های مختلف در سراسر ایران علیه خاندان های گوناگون از جمله تیموریان و آق قویونلو به حکومت رسیده و موسس سلسله صفوی شد. نمودار شجره نامه این خانواده در صفحه بعد آورده شده است.



در دوران خاندان صفوی تحولات بسیاری در جهان و ایران بوجود آمد. دوره رنسانس اروپا در حال پا گرفتن بود. اسپانیا و کشورهای دیگر اروپایی و تا حدی انگلستان برای خود مستعمرات گوناگونی در سرزمین ها جدید آمریکا ایجاد کرده بودند. کشورهای خاور دور از جمله چین و هندوستان با استفاده از جاده ابریشم تجارت بین المللی خود را بسط دادند. استفاده از این راه تجاری باعث معرفی فرهنگ های جدید در کشورهای گوناگون بود. در این میان، ایران تحت کنترل صفوی به یک کشور یک پارچه تبدیل شده و زیر پرچم خاندان صفوی برای شناخته شدن به عنوان یک قدرت جهانی و رقابت با کشورهای دیگر از جمله انگلستان کوشش میکرد. برای انجام این مهم خاندان صفوی قوانین و سیاست های خاص خود را به اجرا درآورده و مانند دولت انگلستان دوران خاندان تودور چهره کشور و تا حد زیادی چهره دنیای آنروز را تغییر داد. تحت حکومت صفویان کشور ایران که به چندین قسمت تقسیم شده بود به یک کشور کامل به وسعت ایران دوره ساسانیان حدود 850 سال قبل رسیده بود. در همین زمان خاندان تودور کشور انگلستان را که در قرون سیزده و چهارده میلادی به قسمتهای مختلف تقسیم شده بود به کشوری یک پارچه تبدیل کردند. در ادامه این نوشتار نگاهی اجمالی به این تغییرات و اثرات آنها خواهیم داشت. برای شروع مقایسه کوتاهی بین اوضاع دو کشور مقتدر ایران و انگلستان قرون شانزده و هفده میلادی را از نظر میگذرانیم.

مقایسه دو خاندان سلطنتی انگلستان و ایران

برانگیزندگان دگرگونی جهانی

در فراگیری تاریخ ایران و انگلستان، شباهت های دو خاندان مهم قرون شانزده و هفده میلادی برای من بسیار جذاب بود. هر دو دودمان های صفوی و تودور برای بدست آوردن قدرت با مشکلات بسیار عظیمی درگیر بودند. در دوران قرون وسطی و قبل از قرن های شانزدهم و هفدهم میلادی، جنگ ها و مبارزه های بی پایانی گریبانگیر ملت ها بوده که نشانگر امیدها و آرزوی آنان برای به قدرت رسیدن شمرده میشد. یکی از تغییرات عظیمی که خاندان های تودور و صفوی بوجود آوردند صلح و آرامش در سطح دوکشور و ایجاد یک دولت مرکزی در قرون 16 و 17 میلادی بود. اقدامات و فعالیت های اجتماعی-سیاسی این خاندان ها نه تنها زیر بنای کشور هایشان، بلکه اساس و پایه پیشروی دنیا را عوض کردند.

در نوشتار حاضر، تلاش من آن میباشد که شباهت های چگونگی فرمانروایی این دو خاندان را بررسی کنم. در این کوشش برگه ای بسیار شگفت انگیز از تاریخ را یافته ام؛ و تا آنجا که میدانم کسی به آن توجه ای نکرده است. پر واضح هست که هر دوی این کشورها دارای تاریخی پرمحتوا بودند. ایران دوره هخامنشی قبل از مسیحیت کاملاً شناخته شده میباشد. منبعی دیگر برای درک اوضاع ایران، تاریخ ساسانیان قبل از اسلام که در شاهنامه هم به آن اشاره شده میباشد (خان، 2012). وجود این سلسله ها درسازماندهی ایران بعنوان یک کشور بسیار مهم میباشد، همانطور که سلسله های وسکس و پلانتاژنه مهره های مهمی در تاریخ انگلستان میباشد. متأسفانه در دوران طولانی قرون وسطی این تاریخ با شکوه به شیوه ای در مه زمان ناپدید شده بود. ولی در قرون 16 و 17 میلادی، اعمال و تصمیمات دو خانواده بسیار قدیر و نیرومند، دنیا را برای همیشه و بطور کامل تغییر داد. خانواده صفوی در ایران و خانواده تودور در انگلستان دو امپراتوری مدرن را بوجود آوردند که تأثیر ژرفی در سطح جهانی داشتند. برای درک این مطلب، بایستی به برخی از شباهت های این خانواده ها در بوجود آوردن این تغییرات عظیم توجه کنیم.

خاندان های صفوی و تودور

پس از تسخیر ایران در قرن هفتم میلادی توسط اعراب و مبارزات بی پایان طوایف مختلف ایرانی بر علیه آنها، صفویه پر قدرترین امپراتوری ایران محسوب شده است. سلاطین این سلسله که عبارتند از: اسماعیل اول، طهماسب اول، اسماعیل دوم، (پریخان خانم) و محمد خدابنده، عباس اول، صفی، عباس دوم، و سلیمان اول، از سال 1501 میلادی تا سال 1736 میلادی حکومت کردند. اغلب تاریخ شناسان این دوره را شروع تاریخ مدرن ایران میدانند. (صفت گل، 2006)

سده های میانه میلادی دوران مبارزات خانواده های مختلف در سراسر کشور انگلستان بوده و سلسله تودور که از خانواده ولش بوده و اهل تودور در پنینمید میباشد پس از پیروزی از سال 1485 تا 1603 بر تمامیت انگلستان، ولز و ایرلند حکومت کردند (ویکیپیدا). شاهان این سلسله عبارتند از: هنری هفتم، هنری هشتم، ادوارد ششم، جین، مری اول، و الیزابت اول. تاریخ شناسان این دوره را به عنوان شروع تاریخی جدید در انگلستان میشناسند.

تغییرات اجتماعی که در دوره صفوی و تودور در ایران و انگلستان اتفاق افتاد بسیار شبیه به هم هستند و این شباهت می‌تواند به درک اوضاع این دو کشور کمک کند

دوران صفوی

در سال های 1400 میلادی گروه های مختلف بر علیه یکدیگر و خاندان تیموریان که خود را از نسل مغها میدانستند و بدنبال قدرت بودند مبارزه میکردند. در سال 1501 اسماعیل نوه اوزون حسن پادشاه آق قویونلو و تنودورا به عنوان رهبر خانواده صفویان موفق شد شاهان تیموری و دیگر طوایف را شکست داده و سلسله صفوی را ایجاد کند. با این پیروزی جنگهای طوایفی ایران به پایان رسیده و ایران تحت رهبری این خاندان به یگانگی و اتحاد و یک پارچگی رسید.

دوران تودور

جنگ رزها یا گلها نام جنگهای بود که در سده پانزدهم بین دو خاندان یورک با نشان "رز سفید" و خاندان لنکستر با نشان "رز سرخ" برای رسیدن به قدرت در گرفته بود. در سالهای 1400 میلادی جنگهای رزها باعث ویرانی و غارت زدگی انگلستان شده بود. جنگ رزها وحدت کشور را از بین برده و دو خانواده لنکستر و یورک پیوسته برای رسیدن به قدرت و پادشاهی باهم میجنگیدند. بالاخره در سال 1485 هنری هفتم پس شکست دادن ریچارد سوم و ازدواج با برادر زاده وی، الیزابت یورک؛ بعنوان اولین شاه سلسله تودور به جنگ رزها پایان داده و باعث اتحاد و یگانگی انگلستان شد.

پس از پیروزی در نبرد و ازدواج های مصلحتی با دشمن، هردو فامیل به عنوان قدرت برتر مستقر شده و خط مشی و سیاست هایی که دنیای قرون وسطی را دستخوش تغییراتی مهم کرد بنیان نمودند. این دگرگونی ها بقدری کارگر و نافذ بود که نشانه و علائم و تاثیرات آنها در دنیای پیشرفته امروزه قابل مشاهده و لمس میباشد. دوران سلطنت صفوی و تودور شروعی جدید در تاریخ ایران و انگلستان شناخته شده است.

دگرگونی مذهب

دوران صفوی

ایران قبل از صفوی از دیدگاه عموم به عنوان قلمرو مهم پیروان مذهب سنی شناخته نمیشد (خان، 2012). تا سده پانزدهم میلادی اکثر علمای سنی از سایر سرزمینهای اسلامی برای تحصیل اسلام به ایران میآمدند زیرا در سایر بخشهای جهان اسلام به اندازه ایران مدارس اسلامی وجود نداشت. تا پیش از ظهور صفویان، شیعیان در ایران یکی از اقلیتهای اسلامی بودند و وجود مذهب شیعه را، اگرچه پیروان بسیار کمی داشت؛ نمیتوان حاشا کرد. چنانکه آل بویه دوران کوتاهی (از 934 تا 1065 میلادی) در ایران قدرت داشت. سلسله صفوی مذهب شیعه را با اجبار رایج کرد. صفویان با ایجاد مذهب شیعه برای مقابله با نفوذ عثمانیان و مذهب سنی اساس اجتماع ایران را تغییر دادند.

تغییر کامل مذهب ایران از مذهب سنی به شیعه بوسیله صفویان حدود دویست سال از قرن 16 تا 18 میلادی طول

کشید. نتیجه روند اجباری این تغییر باعث جدای و خصومت دولت عثمانی، همسایه شمال ایران؛ و به قدرت رسیدن و برتری اجتماعی فرقه دوازده امامی بر فرقه های دیگر از جمله فرقه اسماعیلی هفت امامی در ایران شد. شاهان صفوی با گسترش فرهنگ وقف و ایجاد موقوفات، اماکن متبرکه را بعنوان جایگاهی برای اشاعه فرهنگ شیعه توسعه داده و رونق بخشیدند. ایشان به شیوه های مختلف از جمله اختصاص بودجه های دولتی، وقف غلات، و صدقات به گسترش سراسری کشور اهتمام ورزیدند و منافع متعددی را مد نظر قرار دادند. از نتایج مهم عملکرد آنان افزایش نقدینه کشور که در راستای ایجاد مرکزی برای یکپارچگی ایران بود، بوجود آمد. امپراتوری صفوی با این حرکت سیاسی قادر به یکپارچه کردن ایران که نقطه عطف تغییرات جدیدی در تاریخ جهان به شمار می رود شد. به گفته راجر سیوری (1363) "برقراری تشیع اثنی عشری به عنوان مذهب رسمی کشور توسط صفویه موجب ایجاد آگاهی بیشتری نسبت به هویت ملی و بدین طریق ایجاد دولتی متمرکز و قویتری شد."

دوران تودور

قبل از به قدرت رسیدن خاندان تودور، مذهب رسمی انگلستان کاتولیک بوده، اگرچه گروه های کوچکی در شمال انگلستان که به مذهب پروتستان معتقد بودند در آن دوران انگلستان بطور کل تابع دستورات و راهنمایی های پاپ های واتیکان بود. مخالفت های سیاسی و دینی پادشاه باعث جدایی انگلستان از واتیکان و تغییر مذهب ملی آن کشور به پروتستان شد. هنری هشتم بانی مذهب پروتستان عنوان پاپ اعظم را اختیار کرده، این مذهب را به ملت انگلستان تحمیل کرد. در ادامه کار وی، شاهان تودور با بستن کلیساهای کاتولیک از درآمدهای نجومی این مراکز که سالیانه حدود 165000 پوند بود (درآمد بیش از یک میلیارد پوند امروزی) جلوگیری کرده و نقدینه کشور را افزایش دادند (ویکیپدیا). خاندان تودور برای تغییری ژرف در اجتماع و مقابله با نفوذ فلسفه ودین کاتولیک بر علیه واتیکان انقلاب کرده بود.

روش تخریب وسیع کلیساها و معابد کاتولیک انگلستان بوسیله خاندان تودور برای اطمینان در تغییر کامل مذهب با روش تخریب مساجد سنی ایران برای تغییر کامل مذهب به شیعه بوسیله خاندان صفوی برابری و رقابت میکند. با استفاده از مذهب، دو خاندان تودور و صفوی زیربنای اجتماع خود را برای همیشه تغییر دادند. اگرچه این دگرگونی در هر دو کشور یک حرکت سیاسی بود؛ اثر عمیق اجتماعی آن تا دوران حاضر در سطح جهانی دیده میشود.

سازمان دهی داد و ستد

دوران صفوی

توسعه داد و ستد بوسیله سازمان دهی زیربنای اجتماعی ایران در دوران صفوی شدیداً تشویق میشد (همل، 2017). ابریشم بعنوان کالای برتر تولید ایران مورد استقبال کشورهای خارج بوده و شاه عباس صادرات این کالا را تحت قدرت سلطنتی گرفته و با عوارضی سنگین آن را به مقدار زیاد صادر میکرد.

صنعت های قالی و پارچه ایران هم از حمایت سلطنتی برخوردار بودند و شکوفایی شایانی داشتند. بازرگانان انگلیسی و دانمارکی برای صادرات ابریشم خام از ایران با هم رقابت بسیار شدیدی میکردند. بجز ابریشم خام و پارچه، کالاهای دیگری هم از جمله چرم، پشم شتر و بره، ظروف سبک چینی، طلا و نقره، فرش و سنگ های

گرانها از ایران صادر میشد. واردات ایران عبارت از: آینه، فنجان، شیشه پنجره، اشیا فلزی فانتزی، و کاغذ بود. توسعه صنعت حمل و نقل و داد و ستد باعث بهتر شدن و ازدیاد سطح استاندارد زندگی ایرانیان شده بود

دوران تودور

تجارت و بازرگانی نشانه استواری و استقامت انگلستان دوره هنری هفتم بود (سی. ان. ترومن). مهمترین محصولی که در زمان اقتدار وی برای بازرگانی استفاده میشد پشم خام بود که شامل 90 درصد از صادرات کشور میشد. کشورهای اروپایی، تولید پشم خام انگلستان را یکی از بهترین تولیدات قرون شانزدهم و هفدهم می شمردند. برای سودجویی و بهره برداری از این فرصت، دولت انگلستان صادرات این کالا را با عوارض گمرکی سنگین دایر کرده بود. در آغاز سلطنت هنری هفتم در 1485، مقدار صادرات پشم خام رکود 50 درصدی داشت و در حال جایگزین شدن با پشم تمام شده بود. ولی پروسه تولید پشم خام با اختراعات ماشین های جدید بزودی بهتر شد. بازرگانان ثروتمند پشم خام، تمام خرج تولیدات را برعهده گرفته و صادرات آن افزایش سریعی پیدا کرد. این صادرات باعث بهتر شدن استاندارد زندگی در سراسر انگلستان شد. (سی. ان. ترومن)

با شناخت اهمیت داد و ستد، هر دو خاندان صفوی و تودور قدم های مثبتی برای بهسازی آن برداشتند. این دو دولت با استفاده از مواد خام پشم و ابریشم صادرات خود را برای کشور های دیگر بسیار ارزشمند کرده و اقتصاد داخلی را مفید و سودمند نمودند. آنها کالاهای خود را به اقصا نقاط دنیا فرستاده و مستقیماً روی اقتصاد کشور های دیگر تاثیر شایانی گذاشتند.

بهبودی حمل و نقل

دوران صفوی

در دوران حیاتی و مهم توسعه اقتصاد جهانی، اقتصاد ترانزیت و انتقالی ایران دوران صفوی نقش بسیار مهمی بازی میکرد. بررسی موقعیت لجستیکی داد و ستد کالا و سرویس به شرق و غرب در این مقوله بسیار مهم میباشد. با موقعیت سوق الجیشی ایران معاملات و انتقالات کالاهای زیادی از شرق به غرب کشور و بالعکس اتفاق می افتاد. به این دلیل ایجاد یک محیط سالم، پذیرا و خوشایند برای انجام معامله و بوجود آوردن تجارت سود بخش برای هر دو طرف معامله بسیار مهم بود. به گفته صفت گل (2006) ساخت و تاسیس کاروانسراهای برتر و زیبا یک فرصت طلایی برای ایجاد داد و ستد سودآور در درون مرزهای ایران بود. کاروانسرا ها شبیه هتل بوده و در قسمت های پر جمعیت در جاده های مختلف قرار داشتند. این کاروانسرا ها اغلب بوسیله تجار و مسافران اشغال شده و بزودی مرکز سودآورداد و ستد و معامله شدند. کاروانسرا ها نه تنها در جاده های بازرگانی ساخته شده بودند، بلکه در جاده هایی که برای زیارت رفتن استفاده میشد نیز بر پا شده بودند. مشهوریت کاروانسراهای ایران مترادف با نام بازارهای معروف شهرهای بزرگ ایران مانند اصفهان بود.

دردوران سلطنت شاه عباس، اصفهان به عنوان پایتخت مسجل سیاسی و تجاری ایران در خاورمیانه شناخته شده بود. عقیده ای که با آمار عظیم جمعیت اصفهان در آن دوران بر احوال قابل قبول هست. به گفته صفت گل (2006) جهانگرد فرانسوی ژان شاردین (فوت 1713) که چندی در ایران قرن هفدهم زندگی میکرد جمعیت اصفهان را حدود 500 هزار نفر تخمین زده بود. از این گذشته، در 1660 ژان دوئونات تعداد تجار هندی در اصفهان را 1500 نفر تخمین زده بود. پرواضح میباشد که اصفهان به یک مرکز تجاری و حمل و نقل کالا در مسیر بازرگانی آسیای

مرکزی تبدیل شده بود. این در حالی بود که نه تنها برخی از اجناس تولیدی در اقتصاد داخلی جذب شده، بلکه بسیاری از کالاها به کشورهای دیگر نیز صادر میشد. وجود کاروانسرا یکی از عوامل مهم شناسایی کالا و سرویس در دوران صفوی که بطور متداوم به انجام میرسید بود. به غیر از کاروانسراها، ایجاد شبکه وسیع راههای دریایی و خشکی قسمت مهمی از اقتصاد ترانزیت ایران بود که برای انتقال کالا و مسافر انجام میشد و برخی از این راهها بسیار مشهور بودند. بعنوان مثال امپراتوری های صفویه و مغول برای انتقال مقدار بسیار زیادی فلزات گرانبها از مسیر دریایی بندر عباس به سورات استفاده میکردند. سیاحت و دادوستد دوران صفوی باعث ایجاد تجارت بیشتر، واردات چای و قهوه، پیشرفت صنعت نقشه کشی، بهتر شدن صنعت ساخت و ساز، و درک فرهنگ های ناآشنا و جدید شد.

دوران تودور

در قرون وسطی صادرات لندن با شبه قاره نزدیک بود ولی در دوران سلطنت تودورها تغییرات مهمی لندن را به مرکز مالی و رهبر کشتی سازی تبدیل کرد. مشکلات بازرگانی و سیاسی با کشورهای شبه قاره نزدیک انگیزه ای برای ازدیاد سفرهای اکتشافی شد. این سفر های اکتشافی باعث برتری لندن در قرون پیشرو به عنوان پایتخت وسیعترین امپراتوری شد. در این دوران، کالا نه تنها در درون کشور بلکه در کشورهای دور هم دادوستد میشد. به دلیل وضعیت بسیار مشکل جاده ها و غیر قابل بودن تردد گاری و اسب در بیشتر راه های داخلی، آسانترین طریق جابجایی و انتقال کالا به اطراف کشور دنبال کردن خط کناره بود. انتقال اجناس از طریق کشتی و دریا نه تنها آسانتر بلکه سریعتر بوده و کالاها در یک سفر به دست مشتریان میرسید. (سی. ان. ترومن)

زندگی در کشتی های دوران تودور به دلیل کوچکی و انباشته گی بسیار سخت بود و ملوانان و جاشوان در این شرایط برای ماه ها و شاید سالها زندگی میکردند. آنها اغلب بر روی عرشه در لباسهای کثیف و شرایط سخت میخوابیدند. کشتی ها معمولاً بسیار کثیف و آلوده به آفت و جانوران موزی مانند موش بودند. ولی با همه این مشکلات، جهانگردی در دوران تودور باعث رونق دادوستد، کشف تنباکو، کشف سیب زمینی و ذرت، واردات چای و قهوه، بهتر شدن صنعت نقشه کشی، برتر شدن صنعت کشتی سازی و پیشرفت علم دریا شناسی شد. اگرچه مشکلات زیادی در موقعیت حمل و نقل کالا در این دوره وجود داشت، ولی هردو خاندان تودور و صفوی به اهمیت آن برای بهبودی داد و ستد واقف بودند. بنابراین هر دو دولت گزینه های بسیاری برای بهتر سازی و آسانی حمل و نقل کالا و ازدیاد اکتشاف بکار گرفتند.

نقش زنان

جنبه دیگر نفوذ خاندان های تودور و صفوی روی جوامع خود و در نتیجه جهان، اوضاع زنان در آن جامعه ها میباشد. رویهمرفته زنان این دوره در تمامی کشورهای دنیا شهروند درجه دوم بشمار میآمدند. اما زنانی در دربار و خارج از دربار بودند که از نفوذ فوق العاده خود برای تصمیم گیری های دولتی و اجتماعی استفاده کرده و تاثیر زیادی در پیشرفت جامعه تودور و صفوی داشتند.

زنان دوران صفوی:

بطور کلی، زنان دوران صفوی، با تائید مذهبیان و قوانین؛ تحت فشار های زیادی بودند. به گفته جهانپدیده (2011) زنان ایران صفوی از نظر فریر، به شش بخش تقسیم میشوند: " زنانی که با رده بالای اجتماعی ازدواج میکنند"،

"زنانی که در مناطق روستای و درایل های مختلف در سراسر کشور زندگی میکنند"، "زنانی که در صنعت هنر و پیشه وری مشغول بوده و در شهرهای مختلف زندگی میکنند"، "زنانی که با ازدواج قراردادی موقت امرار معاش میکنند" و "زنان روسپی". باور جامعه بر این بود که از آنجاییکه دختران با بالا رفتن سن اثر منفی روی درآمد خانواده خواهند داشت، بایستی درسین پایین ازدواج کنند. بیشتر خانواده ها با اجبار دختران جوان خانواده را به ازدواج وادار میکردند. ولی به نقل از جهان‌دیده (2011) با اینکه در این دوران فشار و محدودیت های زیادی بر زنان وارد بود، شواهد تاریخی اخیر اشاره به نکات جالب زیر میکند

زنان با فشارهای که بر آنها تحمیل شده بود به مبارزه برخاسته بودند

برخی از زنها از پوشیدن نقاب صورت در ملاءعام امتناع میکردند

زنها لباسهای رنگی در این مبارزه میپوشیدند

در دربار، زنها رل های سیاسی مهمی در خفا برای خود ایجاد کرده بود که بیشتر اوقات با توطئه همراه بود

زنها در دنیای معامله و پول بسیار فعال بودند

غالب اوقات زنها قادر به تغییر و یا ایجاد قوانین اسلامی برای حفظ حق خود بودند و حتی میتوانستند شوهر خود را در مواقعی که ازدواج آنها غیر قابل تحمل بوده طلاق بدهند.

در لیست پایین به برخی از زنهاى دوران صفوی که با سیستم مبارزه کرده و پیروز شدند اشاره شده است. این زنان در جامعه صفوی و دوران های بعدی تاثیرى مستقیم داشتند.

• آمنه بیگم مجلسی (بنت المجلسی)

آمنه بیگم مجلسی (1594-1660 میلادی) یکی از زنان دوره صفوی میباشد که به مقام قاضی عرفی و شرعی رسید. او تعلیماتش را تحت نظر پدرش محمد تقی مجلسی کامل کرده و به شوهرش محمد صالح مازندرانی در موارد دعاوی کمک میکرد. حاصل ازدواج وی 6 پسر و دو دختر بود ولی با داشتن مسئولیت مادری، رسیدگی به دعاوی مردم و مشکلات اجتماعی و دینی ایشان را ادامه میداد. او یکی از محبوب ترین زنان دوره خود بود

• حمیده رویدشتیه یا حمیده رویدشتی

حمیده رویدشتی (فوت 1667 میلادی) دختر شریف محمد رویدشتی از شاگردان شیخ طوسی، آموزگار، نویسنده، پژوهشگر و محدث بود. حاشیه نویسی او در کتاب استبصار نوشته شیخ طوسی مورد استفاده علمائی مانند بهالدین عاملی بود و کتابی بنام "رجال حمیده" در خصوص سیاست نوشته است

• خدیجه سلطان بیگم داغستانی

خدیجه سلطان بیگم (فوت 1712 میلادی)، دختر حسن علی خان داغستانی، از زنان عالم و شاعر آخرین سال های دولت صفوی بود. در کودکی به همراه پسر عمویش به مکتب رفت و خواندن و نوشتن را آموخت و سپس شعر و ادب را فرا گرفت. از همان کودکی دچار عشق پسر عمو شد ولی نتوانست با او ازدواج کند. سالها بعد بدنبال عشق پسر عمویش به هندوستان سفر کرد ولی در راه هندوستان فوت کرد. او کتاب شعری درباره عشق خود نوشت

• زوجه میرزا خلیل رقم نویس

متأسفانه اسم کامل این بانو در تاریخ فقط به عنوان "زوجه میرزا خلیل رقم نویس" (اواخر قرن هفدهم) ذکر شده است و حتی کتاب مثنوی وی به همین نام امضا و نشر شده است. او شاعر و جهانگرد دوره صفوی بود. وی مثنوی زیبایی مشتمل بر 1200 بیت سروده است و امروزه این اثر منتشر شده است. این مثنوی جالب، سفر نامه وی به کشورهای مختلف که به شعر گفته شده است میباشد

• زینب بیگم اردستانی

زینب بیگم اردستانی (1690 میلادی) در دوره سلطان حسین مدرسه ای در اصفهان برپا کرد که هنوز وجود دارد. وی پزشکی حاذق و دانشمند و خیر بود که در معالجه امراض مهارتی خاصی داشت

• دلارام خانم

دلارام خانم ملکه مادر شاه صفی و همسر ولیعهد صفوی محمد باقر میرزا اهل گرجستان بود. وی به عنوان مادر بزرگ شاه عباس دوم در اوایل دوران سلطنت، بعثت جوان بودن شاه، در گرفتن تصمیمات دولتی به بطور کامل از او حمایت میکرد. دلارام خانم موسس دو مدرسه در سالهای 1645 و 1647 در اصفهان بود و کاروانسرای بزرگی احداث کرد. او در سال 1647 فوت کرد

• مریم بیگم

مریم بیگم از شاهزاده های معرف دوران شاه صفی در سال های دهه 1640 میلادی بود. مریم بیگم در طول دوره سلطنت سلطان حسین عنان و زمام امور حکومتی را از پشت صحنه، در دست گرفت و سلطان حسین صفوی که به ناتوانی و زبونی معروف بود تحت نفوذ فوق العاده وی قرار داشت. او لشکرایران را در مبارزه سال 1717 بر علیه حمله عثمانی رهبری کرده و ایران پیروزی های مختلفی در این مبارزات بدست آورد. وی نه تنها شاه را وادار به تجهیز سپاه نمود، بلکه از دارایی خود سپاهی بزرگ آراست. شاه بدلیل بی عزگی به مرور زمان از امور حکومت دور شده و مسئولیت های ضروری و رسیدگی به مسائل مهم حکومت را به طور مخفی به مریم بیگم اعطا میکرد. بانو مریم بیگم در سن 78 سالگی از دنیا رفت در مشهد بخاک سپرده شد.

• زینب بیگم

دختر چهارم تهماسب یکم یکی از شاهزادگان پر نفوذ دربار صفویان بود و در دوران پنج پادشاه صفوی زندگی کرد. وی سمت های گوناگونی در دربار از جمله ریاست دیوان سالاری کشور را بر عهده داشت. در حاشیه مقام ها مختلفی که داشت، برای سالها سوگلی اول حرم بوده و حتی چند بار بعنوان "سلطنت ساز" شناخته شده است. او حامی اصلی شاه عباس برای رسیدنش به سلطنت بوده و در اوج قدرت وی به عنوان تصمیم گیرنده شاه عمل میکرد. وی سالها بعد شاه عباس را متقاعد کرد که صفی میرزا با به عنوان جانشین خود انتخاب کند. در بسیاری از منابع تاریخی امروز، زینب بیگم به عنوان «تکیه گاه اصلی اعتدال و خرد سیاسی دربار صفوی» مورد ستایش قرار

گرفته‌است. از او چندین بنا، جاده، پل و کاروانسرا بر جای مانده‌است که مهمترین آنها "کاروانسرای بیگم" در راه ساوه-مشهد میباشد. او در سال 1640 فوت کرد

. پریخان بیگم یا پریخان خانم

دختر سلطان آغا خانم و شاه تهماسب یکم ، پریخان خانم (1548-1578) یکی از پرنفوذترین زنان دربار صفوی بود. وی یک تحصیل کرده، شاعر، سیاستمدار، و رهبر سپاه بود. پس از مرگ سلطان تهماسب ، حیدر میرزا پسر وی و برادر ناتنی پریخان خانم و اسماعیل دوم قدرت را بدست گرفت و پریخان خانم را بدلیل ترس از قدرت بینهایتش ، در قصر خودش زندانی کرد. ولی پریخان خانم با التماس و گریه و زاری از حیدر میرزا بخشش طلبید و پس از آزادی با دشمنان شاه همدست شده و با سخت قلبی خاص خود و خشونت بی حد و کشتن برادرش حیدر میرزا و بسیاری از درباریان که طرفدار حیدر میرزا بودند ، اسماعیل دوم را بر تخت سلطنت نشاند. در زمان اسماعیل دوم ، پریخان خانم به علت داشتن قدرت و نفوذ زیادی که داشت مورد غضب شاه قرار گرفت و مقداری از دارایی وی گرفته شد. ولی دوران حکومت اسماعیل دوم کوتاه بود و به دلیل بیماری ناشناخته ای از بین رفت. بسیاری از تاریخ شناسان باور دارند که پریخان خانم با استفاده از زهراو را کشت و توانست محمد خدا بنده ، برادر دیگرش را که کور و ناتوان بود به سلطنت برساند. قبل از تاج گذاری، محمد خدا بنده در شیراز بود و مدتی طول میکشید تا به قزوین برسد. در این چند ماه پریخان خانم به عنوان شاه ایران شناخته شده بود و حکومت را اداره میکرد. او تصمیم داشت که کماکان به عنوان تصمیم گیرنده شاه بعد از تاجگذاری به حکومت ادامه دهد و چون یکی از رهبران فرقه قزلباشان بود و بسیاری از سران این فرقه او را بعنوان مرشد و بزرگ خود قبول داشتند روی حمایت آنها حساب میکرد.

چند ماه پس از ورود شاه و همسرش به پایتخت و مراسم تاجگذاری، خیر النسا (مهد علیا) همسر شاه، از نفوذ پریخان خانم به وحشت افتاده و برای از بین بردن وی نقشه کشید. خیر النسا با کمک خلیل خان افشار؛ که یکی از مربیان پریخان خانم بود طرح از بین بردن او را ریختند. پریخان خانم در سن 29 سالگی در سال 1578 به دست خلیل خان و با همکاری خیر النسا همسر شاه محمد خدا بنده در کوچه ای تاریک خفه شد. جسد پریخان خانم در امامزاده حسین، در کنار سلیمان میرزا و شاه اسماعیل به خاک سپرده شد

زنان دوران تودور

بطور کل، موقعیت زنان در دوران تودور انگلستان برای چندین قرن فرقی نکرده بود. در دوران قرون وسطی ، مردم معتقد بودند که زنان و دختران حقیر و دون پایه بوده و از رتبه مرد پایین تر هستند. این فلسفه را در کلیسا ها تدریس کرده و با استفاده از انجیل آنرا توجیه میکردند. مردم این ایده را وحی الهی دانسته و آنرا قبول و باور داشتند. بنابراین زنان و مردان همگی دون مایه ائی زنان را فرمانی از خدا می پنداشتند. طبق گفته سی. ان ترومن، این باور آنقدر با نفوذ بود که حتی در دوران اصلاحات مذهبی و ایجاد مذهب پروتستان تغییر نکرد. به گفته وی، جان ناکس یکی از رهبران پروتستان اعلام کرده بود که "زنان در بهترین حد کمال برای اطاعت کردن از مردان خلق شده اند."

در این دوران سن قانونی برای ازدواج زنان وجود نداشت و بسیاری از مردم دختران خود را در سن 14 سالگی به ازدواج مجبور میکردند. در سطح اجتماع این ازدواج های اجباری بدلیل اینکه دختران در سن 14 سالگی به صورت ضرر مالی درآمده و فقط مصرف کننده درآمد خانه خواهند بود، انجام میشد. پس از ازدواج، زنان مجبور به فرمانبرداری از شوهرشان بوده و میبایست از آنان مراقبت و اطاعت کامل کنند. ولی به عقیده سی. ان ترومن شواهد تاریخی نشان داده که تعدادی از زنان با موفقیت قادر به مبارزه با وضع موجود و فشار های غیر عادلانه ای که بر آنها وارد میشد بودند

برخی از زنان بطور آشکار و در ملاعام از اطاعت کردن به شوهرشان سر باز میزدند
زنان لباس های رنگین و آزاد به عنوان اعتراض به فشار های زیاد می پوشیدند
در دربار زنان نقش سیاسی مهمی (به طور مستقیم یا غیر مستقیم) بازی کرده و اغلب با توطئه همراه بود
زنها در دنیای معامله و پول بسیار فعال بودند
غالب اوقات زنها قادر به تغییر و یا ایجاد قوانین برای حفظ حق خود بودند و حتی میتوانستند شوهر خود را در مواقعی که ازدواج آنها غیر قابل تحمل بوده طلاق بدهند
در لیست پایین به برخی از زنهای دوران تودور که با سیستم مبارزه کرده و پیروز شدند اشاره شده است. این زنان در جامعه و دوران های بعدی تاثیری مستقیم داشتند.

• ماری ماتیوز

ماری ماتیوز (1516-1602) دختر توماس ماتیوز اهل کولچستر، اسسکس بود. او سه بار ازدواج کرده و از نتیجه این ازدواج ها زن بسیار ثروتمندی شد. این بانو مقدار زیادی از پول خود را در راه خیریه صرف کرده و به کلیساهای پروتستان برای بازسازی کمک مالی میکرد. او ارثیه قابل توجهی برای 9 فرزندش و چندین خیریه گذاشت

• کاترین تیلنی

کاترین تیلنی دختر عالیجناب فلیپ تیلنی و الیزابت جفری بود. پس از اینکه کاترین هاوارد با هنری هشتم ازدواج کرد او به عنوان خدمه ملکه به دربار راه یافت. در دورانی که ملکه کاترین در خفا با توماس کالپیر رابطه نامشروع داشت، کاترین تیلنی یکی از تنها دو خدمه ای بود که بدون محدودیت اجازه ورود به اتاق خواب خصوصی ملکه را داشت. در محاکمه کاترین هاوارد بدلیل خیانت به شاه، کاترین تیلنی یکی از شواهد دادستان بود. او بعد از اعدام ملکه کاترین به دلیل حمایت از ملکه در دوران خیانت در برج لندن زندانی شد ولی چند سال بعد در سال 1542 میلادی آزاد شد. بعد از آن با جان بیکر برادر ناتنی اسقف اعظم ازدواج کرد و از او دارای دختری به نام الیزابت شد

• بٲ (الیزابت) هاردویک

بانو الیزابت کاوندیش یا خانم الیزابت تالبوت آینده، کنٲس شروبری به نام بٲ هاردویک معروف بود. وی که اهل دهکده هاردویک بود و در دربی شایر زندگی میکرد به عنوان شخصیتی مهم در دوران الیزابت اول شناخته شده بود. بانو هاردویک از طریق یک سری ازدواج ها مهم بزودی به عنوان یکی از مهمترین و ثرومندترین اشرافیان انگلستان شناخته شد. بٲ با داشتن عقل مالی و از طریق استفاده درست از سود سرمایه گذاری های مختلف مانند کارخانه شیشه سازی و معدن بسیار ثروتمند شد. بٲ چهاربار با مردان صاحب منسب و مهم ازدواج کرد. شوهران وی به ترتیب آقای رابرت بارلو : تاجر؛ لرد کاوندیش: درباری؛ لرد ویلیام سنت لو ، و چهارمین شوهر وی جورج تالبوت ارل ششم شروزبری که برخی اوقات زندانبان مری ملکه استکاتلند میشد، بودند. وی در سالهای 1569، 1570 و 1571 بعنوان یک بانوی سوزن زن ماهر اغلب برای سرگرمی زندانیان در چدزورث به شوهرش جورج تالبوت می پیوست. در این ایام کار خود را با موسسه "اعدام آکسبرو" شروع کرد. در 1601، بٲ برای کامل کردن وصیت نامه اش دستور نوشتن فهرست دارای اش در سه ملک خصوصی خود در چدزویک، چلسی، و هاردویک که اکنون تحت نظر یک کلکسیونر میباشد، را داد (سی. ان. ترومن. تاریخ زنان تودور) این کلکسیون 400 ساله که بزرگترین مجموعه پارچه میباشد به عنوان پارچه های هاردویک معروف است. این مجموعه شامل میله کاری، بوم کاری، و انواع پارچه های دیگر در کلکسیون خصوصی یک خانواده حفاظت میشود. علاوه براین ، خانم بٲ برای داشتن پروژه ها ساختمانی هم معروف بود. چدزورث و هاردویک مشهورترین ساختمانهای هستند که وی بنا کرده و اکنون چدزورث جایگاه دوک داونشایر که نام فامیلی وی کاوندیش میباشد، هست

• الیزابت بارتون

در دوران تودور برخی زنها برای بدست آوردن شهرت و قدرت ادعا میکردند که با خداوند در ارتباط مستقیم هستند. یکی از این زنان بانو الیزابت بارتون بود که در ایالت کنٲت به دلیل اینکه از خداوند پیام دریافت کرده بود عده زیادی پیرو داشت (ویکیپدیا). او بقدری مشهور شد که توانست ملاقاتی با کاردینال ووزلی و هنری هشتم داشته باشد. در این ملاقات او به شاه اخطار داد که بدستور خداوند ، که به او وحی فرستاده، تغییرمذهب کاتولیک به پروتستان و ازدواج شاه با "آن بولین" گناه بوده و او را بسوی بازگشت به دین کاتولیک تشویق کرد. به دلیل این اخطار گستاخانه هنری هشتم دستور دستگیری وی را داد. الیزابت در زمان دستگیریش بیش از هزاران نفر پیرو داشت . او در مصاحبه ای با توماس کرامول ، اسقف کرانر و کشیش لاتیمر ، آخرین وحی خدا را دریافت کرد. اسقف کرانر نتیجه این ملاقات را به عبارت زیر گزارش داد

"در آخرین وحی، خداوند او را مجبور کرد که اعلام کند که هرگز پیامی از خدا دریافت نکرده است."

در دسامبر 1533، اسقف کرانر اعلام کرد که "او به همه چیز اعتراف کرد، و حقیقت را گفت و آن اینست که : او هرگز هیچ وحی یا پیامی از خداوند دریافت نکرده بود و هر آنچه که گفته بود از تخیلاتش بود و فقط توانست با راضی کردن عقل کسانی که قدرت فهم نداشته بین آنها مشهور شود." (سی. ان. ترومن)

در هفته های پیشرو ، الیزابت بارتون تحت نظر نگهبانان به شهرهای مهم انگلستان سفر کرده اعترافات خود را در این شهرها تکرار نمود. و بالاخره به همراه چند نفر از همراهانش در 20 آوریل 1534 اعدام شد.

همانند کشورهای دیگر زنان در این دو کشور تحت فشار های زیادی بوده و زندگی سختی را میگذراندند. ولی برخی از آنان در دربار و یا خارج از آن؛ توانستند با استفاده از نفوذی که داشتند تصمیمات مهم سالار مردان را تغییر داده و تأثیرات مهمی در وقایع دنیای آنروز داشته باشند

پایتخت

وجود پایتختی مهم که میتوانست با دیگر شهرهای مشهور در جذب تجارت و گردشگر رقابت کند، برای پیشرفت کشور های قرون 16 و 17 بسیار با ارزش بود. هردو خاندان صفوی و تودور نهایت کوشش را در به وجود آوردن چنین مرکزی کردند.

ایران

یکی از روش های دسترسی به هدف بهسازی داد و ستد در دوران صفوی تاسیس مرکز تجاری و گردشگری در ایران بود. خاندان صفویه برای ایجاد امنیت و دوری از عثمانیان ، و بوجود آوردن یک مرکز تجاری پایتخت را به اصفهان منتقل کردند. شهر اصفان قدمت تاریخی بسیار طولانی دارد. وجود زندگی انسان در محدوده این شهر به دوران پارینه سنگی بازمیگردد. در طول تاریخ ایران ، اصفهان قبل از اسلام و بعد از اسلام شهر مهمی بوده است. اصفهان در دوران آل بویه که بعد از سلسله عباسیان در ایران در قرن دهم به قدرت رسیدند، شهری موفق و پیشرفته بود (ویکیپدیا). تاریخ شناسان بر این عقیده هستند که دیوارهای حفاظی اصفهان در دوران سلاطین آل بویه ساخته شده بود. در دوران صفوی (1501-1736) اصفهان به شهر مهمتری تبدیل شد.

علی انوشهر در مقاله ای خود توضیح میدهد که سالهای طلایی اصفهان از 1598، سال انتقال پایتخت به اصفهان ، شروع شد. شاه عباس (حکومت 1629 -1588) با بازسازی اصفهان ، آن را به زیباترین شهر در دنیای قرن هفدهم تبدیل کرد . در سال 1598 میلادی شاه عباس دستور انتقال پایتخت را از قزوین به اصفهان که در مرکز ایران و برای دوری از خطر عثمانی قرار داشت، داده و آنرا اسپهان (ایران جدید) نامید (ویکیپدیا). عنوان پایتخت، مقامی بلندپایه و شروی طلایی برای شهر اصفهان بود. پایتخت جدید، بازرگانان و گردشگران را از اقصى نقاط جهان آنروز به ایران و اصفهان دعوت میکرد (انوشهر). این دوره شاهد پیشرفت سریع و ایجاد اهمیت بیشتر اصفهان بین مراکز مهم تجاری خاور دور و نزدیک بود. تجارت و داد و ستد ایران فراتر از خاورمیانه به روسیه ، کشورهای اروپایی و خاور دور هم رسید.

به گفته لالر (2009)، آندره از قول گودارد باستان شناس فرانسوی که در قرن بیستم در ایران زندگی میکرد میگوید: "اصفهان شاه عباس بیش از همه چیز یک طرح زیبا بود. یک تصور کلی عالی که 50 سال قبل از طرح

کاخ ورسای شکل گرفته بود. این طرح تا اواسط دهه 1600 به شهری که 600000 نفر جمعیت با 163 مسجد، 48 مدرسه، 1801 مغازه و 263 حمام عمومی داشت تبدیل شده بود. خیابان اصلی اصفهان با عرض 50 یارد و آبراههای زیبا در وسط خیابان با بوته های رز در دو طرف در زیر سایه دو ردیف درختان چنار واقع شده بود. باغ های زیبای که عمارت فرنگی را زیباتر نشان میدادند در دو طرف گردشگاه چهارباغ قرار داشتند."

انگلستان

کشف های اخیر نشان دهنده احتمال وجود زندگی در دوران برنز در کناره های رودخانه تمس نزدیک لندن میباشد. در 1993 باقیمانده پلی از دوران برنز در نزدیکی تمس بطرف پل واکس هال کشف شد. به نقل از ویکیپدیا در سال 2008 قبرستان کاونت گاردن (باغ مخفی) از دوران قدرت آنگلوساکسون ها کشف شده که نماینگر ورود و مستقر شدن انسان در شروع قرن ششم و حتی قرن پنجم به محیط لندن میباشد. امروزه کاونت گاردن به مرکز توریستی زیبای تبدیل شده است. در دوران های مختلف اهمیت لندن ادامه پیدا کرد. تجارت در قرون وسطی به طور پیوسته ازدیاد پیدا کرده و باعث رشد سریع لندن شد (ویکیپدیا).

بر طبق گفته دانشنامه بریتانیکا ، در سال 1100 جمعیت لندن 15000 نفر بود. در دوران اصلاحات دینی (1527 و سالهای بعد) لندن مرکز اصلی پروتستان ها در انگلستان محسوب میشد. به عقیده تاریخ شناسان دلایل رواج دین پروتستان و پیشرفت اصلاحات دینی در انگلستان: 1- رابطه نزدیک لندن با پروتستان های شمال اروپا، 2- وجود مناطق بزرگ تجاری خارجی، 3- تعداد زیاد افرادی که به علم خواندن و نوشتن آشنایی داشتند و 4- وجود ماشین چاپ بودند. قبل از اصلاحات، بیش از نیمی از زمین ها و ساختمان های لندن در دست کلیساها ، معابد و مراکز دینی قرار داشت. هنری هشتم دستور انحلال کلیسا های کاتولیک را داد. انحلال کلیساها اثر بسیار عمیقی روی ثروت کلیساها داشت و آنها مقداری زیادی از دارایی خویش که حدود 165000 پوند بوده را از دست دادند. (دانشنامه بریتانیکا). از سال 1530 تا 1538، بیشتر مراکز مذهبی بسته شده بودند و کلیسا ها به صورت متروکه درآمده بودند. این مراکز و کلیساها ، که دیگر مراسم مذهبی کاتولیک را انجام نمیدادند به مراکز داد و ستد تبدیل شده و اهمیت شهر لندن در مراکز تجاری اروپا بیشتر شد. تجارت و داد و ستد لندن از مرزهای اروپای شرقی به روسیه و از طرف غرب به سرزمین های تازه کشف شده آمریکا راه یافت.

دو خاندان تودور و صفوی به داشتن پایتختی زنده و قابل توجه برای بهتر سازی و انبساط اقتصادی کشور در سطح جهانی واقف بوده و برای بوجود آوردن آن دگرگونی های مهمی و غیر قابل تصویری ایجاد کردند.

پی آمد

در طول تاریخ، کشورها و قدرتهای مختلف از گزینه های گوناگون در مقاطع متفاوت زمانی برای پیشرفت و افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی خود استفاده کرده اند. شباهت بهره گیری از گزینه های مذهب ، داد و ستد، حمل و نقل ، نقش زنان، و بازسازی و بهبود پایتخت های دو کشور ایران و انگلستان در قرون شانزده و هفده میلادی در دو خانواده صفوی و تودور بسیار مهم و جالب بوده و به مطالعات و تحقیق بیشتری در این مورد نیاز میباشد. به اعتقاد نویسنده، این دو خاندان با استفاده از گزینه های بالا در دورانی بی ثبات تحولی عظیم در مدیریت جهان به وجود آورده و دوره جدیدی از سیاست ورهبری را آغاز کردند.

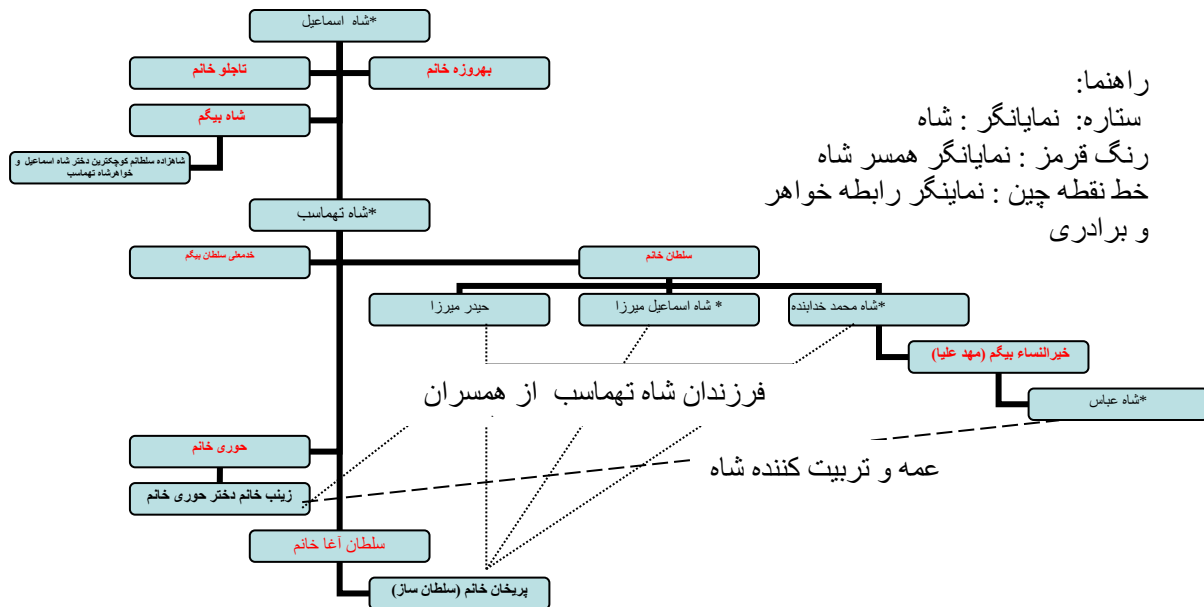
بانوان شجاع و ماجراجو

در فصل قبلی این یادداشت در مورد اوضاع زنان در دو کشور بحث شده است ولی در کنار زنانی که قبلا از آنها صحبت شده تعداد بسیاری از بانوان دربار صفوی تاثیر مهمی در اجتماع آنروز ایران داشته اند که باید در این نوشتار از ایشان یادآوری شود. این بانوان شجاع در محیطی بسیار دشوار قادر به ایجاد دگرگونی های شگرف از جمله انتخاب کردن شاه بودند که در این نوشته به آنها (سلطان ساز) خطاب میشود.

پادشاهان صفویه همسران عقدی و صیقه بسیاری داشتند. تعدادی محدودی از این بانوان حرمسرا از همسران مورد علاقه شاه بودند. برخی از خویشان مؤنث شاهان نیز در حرمسرا اقامت داشتند. بیشتر اوقات زنان محبوب و خویشان شاه قدرت را در حرمسرا بدست میگرفتند و برخی از آنان قدرت های سیاسی، بازرگانی و سپاهی شاه را هم کسب کرده و عملا رهبری کشور را بعهده میگرفتند.

از لحاظ قدرت زنان در دربار، دوران صفوی را میتوان به دو بخش تقسیم کرد. در نیمه اول چندین زن قدرتمند سلطان ساز بوده و عملا قدرت حکومت را در دست داشتند. در نیمه دوم فقط دو نفر از این زنان نفوذ سیاسی مهمی در دربار داشتند.

نیمه اول حکومت صفوی



همسران شاه اسماعیل

تاجلو خانم : سلطان ساز.... در دربار صفویان اعتبار سیاسی بسیاری داشت. با مرگ شاه اسماعیل در سال 1551 میلادی امیران قزلباش با وی مشورت کردند با رأی او قرار بر این گردید که شاه طهماسب روی کار آید

بهروزه خانم : باکفایت، اهل تدبیر و سیاستمدار

شاه بیگم : خیر و نیکوروش. باز ساخت حرم حضرت فاطمه

شاهزاده سلطنت کوچکترین دختر شاه اسماعیل : با اعتبار سیاسی در دربار اسماعیل

همسران شاه تهماسب

خدمعلی سلطان بیگم: نیکوکار، دانشور و سیاستمدار دربار صفوی. باز سازی بارگاه امام حسین و مرقد حضرت ابولفضل

سلطان خانم: نیکوکار و با اعتقاد بود و رباطی در حوالی قزوین ساخت.

شاهزاده سلطانم خواهر شاه تهماسب : با همسر سلطان سلیمان، پادشاه عثمانی در باب تحکیم پایه های صلح و گسترش روابط و مناسبات سیاسی بین دو کشور ایران و عثمانی مکاتبه میکرد. همسر سلطان عثمانی که از نفوذ او در دربار شاه تهماسب خبر داشت پاسخ نامه هایش را می داد. شاه نیز اغلب با وی مشورت می کرد و به او اعتماد داشت. شاه در تمامی امور کشوری و تجاری و اقتصادی نظر سلطانم خانم را جویا می شد، حتی گاهی بدون رأی او کاری انجام نمی داد.

شاهزاده زینب خانم : تربیت و بزرگ کردن شاه عباس بعهد او واگذار شده بود. بعدها بعنوان مشاور شاه عباس قدرت بسیاری در دربار داشت.

شاهزاده پری خان خانم دومین دختر شاه تهماسب صفوی (سلطان ساز): قدرت بسیاری در دربار داشت. پس از مرگ شاه تهماسب ، بدستور پری خان خانم حیدر میرزا که با زور قدرت را بدست گرفته بود کشته شد. با کمک و راهنمایی پریخان خانم اسماعیل به سلطنت رسید ولی بدلیل کشمکش های درونی بعد از مدت کوتاهی بدستور پریخان خانم بطریق مرموزی از بین رفت. با کمک پریخان خانم محمد خدا بنده به سلطنت رسید و پریخان خانم درخفا به مملکت داری ادامه داد.

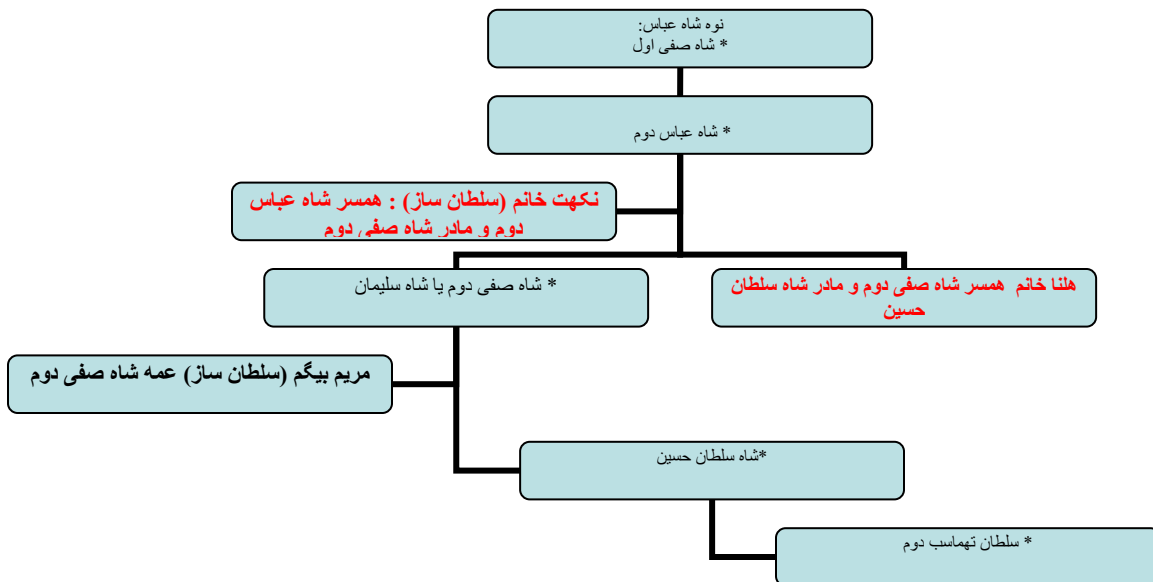
خیرالنساء بیگم معروف و ملقب به مهد غلیا (سلطان ساز) همسر محمد خدابنده و مادر شاه عباس زنی بسیار سخت دل و کینه جو بوده و هوس قدرت کامل را در سر داشت. در زمانی که محمد خدابنده به عنوان والی خراسان به دلیل کور بودن و علیل شدن نمیتوانست مسئولیت رهبری را به عهده داشته باشد، خیر النساء زمام کارهای ایالتی را در قلمرو هرات و خراسان به دست گرفت. پس از اینکه محمد خدابنده به کمک پریخان خانم به سلطنت رسید، جنگ قدرت سختی بین او و پری خان خانم درگرفت. سرانجام خیرالنساء بیگم با از میان برداشتن پریخان خانم زمام امور کشوری را بدست گرفت. دولت عثمانی مدتی بعد موفق شد که بخش هایی از قفقاز را تسخیر نمود. خیرالنساء بیگم که همسر را در اداره امور کشور ناتوان می دید فرماندهی لشکریان سرزمین ایران را به دست گرفت و به نبرد با متجاوزان پرداخت و قسمت هایی از ولایت شیروان را تصرف کرد. او با نابود کردن سران دربار قدرت کامل را بدست گرفت. قدرت بی نهایت وی نگرانی زیادی برای قزلباشان ایجاد کرده بود و آنها را به طرح از بین بردن وی مجبور کرد. سرانجام امرای قزلباش ظهر روز اول جمادی الثانی سال 987 هجری با شمشیرهای برهنه وارد حرمسرای شاهی گردیده و این زن فرمانروا را که به همسر ناتوان و نابینای خود پناه برده بود، از شوهرش جدا نموده و در برابر چشمان همه خفه کردند.

زینب بیگم عمه شاه عباس، که وی را از زمان کودکی تربیت کرده بود؛ در دوران جوانی شاه عباس حکمران واقعی و فرمانده حقیقی لشکرش بود و شاه را برای جنگ های بزرگ با عثمانی ها، برمی انگيخت. وی غالباً در مجالس شورای کشوری و لشکری حضور می یافت و حتی در جنگ یا صلح اظهارنظر نموده و رأی میداد. در سال 1015 هجری (1636 میلادی) شاه می خواست از جنگ با قوای عثمانی دوری کند زیرا سپاهیان ایران را

در برابر آنان ناتوان دید اما زینب بیگم به او نصیحت کرد که از کثرت نیروهای دشمن واهمه نداشته باشد. شاه گفته عمه اش را پسندید و دستور مقاومت و پایداری داد و اتفاقاً بر دشمن غلبه یافت. زینب بیگم از میان زنان حرمسرای شاهی تنها زنی بود که در مجالس رسمی شاه حاضر می گردید

جان آقاخانم همسر یکی از سرداران صفوی از نزدیک ترین مربیان شاه عباس بود که در وی نفوذ زیادی داشت و بزرگان غالباً توسط او در رسانیدن پیام های خود به شاه عباس کمک می گرفتند

نیمه دوم حکومت صفویان



همسر شاه عباس دوم

نکتهت خانم (سلطان ساز) : او پس از مرگ شوهرش به کمک چند تن از خواجه سرایان، حمزه میرزا جانشین منتخب شاه عباس دوم را کشت و پسرش صفی میرزا را که در اواخر حکومت شاه عباس دوم مغضوب و زندانی شده بود، از حبس رهانید و بر تخت سلطنت نشاند. پس از تاجگذاری پسرش شاه صفی، نخستین کسی بود که بر وی سلام کرد و تهنیت گفت. صفی میرزا که بعدها خود را شاه سلیمان نامید و بیست و هشت سال فرمانروای ایران بود تا زمانی که مادرش حیات داشت تحت نفوذ و فرمان او قرار گرفته بود.

مریم بیگم (سلطان ساز) عمه شاه صفی دوم. همسر صدرنامی بود که پس از مرگ وی دل به ساروتقی بست که از قورچیان شاه به شمار می رفت. شاه از این ماجرا دل خوشی نداشت و آن مرد تیره بخت را گردن زد و به مریم بیگم فرمان داد در رفتار خود دقت بیشتری کند، ولی وی همچنان قدرت خود را در دربار حفظ کرد و به زودی در ردیف مشاوران شاه در آمد. با مرگ شاه صفی، مریم بیگم تصمیم گرفت سلطان حسین میرزا فرزند زودباور و خرافاتی او را به زمامداری برساند و او را بر عباس میرزا (فرزند دیگر شاه صفی) که سلحشور و شجاع بود، ترجیح داد. خواسته او در 14 ذیحجه 1105 هجری (1736 میلادی) عملی شد و شاه به حکومت رسید. مریم بیگم از پشت صحنه زمام امور سیاسی را در دست گرفت و سلطان حسین صفوی که به ناتوانی و زبونی معروف بود به صورت فردی بی اراده در دست او در آمد.

امپراتوری باروت

همانطور که قبلاً گفته شده در دوره صفویان ایران بعد از 850 سال پراکندگی به کشوری یک پارچه و مهم و به یکی از سه "امپراتوری باروت" تبدیل شد. از نظر تاریخ شناسان سه امپراتوری ایران، عثمانی و مغول "امپراتوری باروت" در قرون شانزدهم تا هیجدهم را تشکیل میدهند (ویکیپدیا). هر سه این امپراتوری ها با ثبات ترین و قدرتمندترین کشورهای جهان آنروز شمرده میشدند. دسترسی به باروت باعث قدرت نظامی و در نتیجه ایجاد صلح شد. برای مثال با اینکه شکست شاه اسماعیل اول در چلداران باعث انزوای روحی وی شده بود، در عرض دو سال شاه صفوی قادر بود که لشکر ایران را با تعداد 8000 تفنگچی مجهز کند و در عرض 6 سال این تعداد به 20000 نفر رسید (صفت گل ، 2006). در سال 1598 تحت فرمانروای شاه عباس ، لشکر ایران به 500 توپ و 12000 تیر انداز و بیش از 20000 تفنگچی مجهز بود (ویکیپدیا). با وجود یک حکومت مرکزی این قدرت راه را برای بهتر سازی فرهنگ و اقتصاد باز کرده و باعث پیشرفت های بسیاری شد. یگانگی زبان یکی دیگر از نتایج این با ثباتی بود. در ایران، با اینکه به دلیل کوچ ترک ها در قرون وسطی زبان ترکی در حال قدرت گرفتن بود ، زبان فارسی به سرعت جایگزین آن شد. تاریخ شناسان باور دارند که در این دوره قدرت و وسعت ایران شباهت بسیار نزدیکی به قدرت و وسعت دولت ساسانیان قبل از اسلام پیدا کرده بود. چشمگیر ترین شباهت این دو خاندان در احیای هویت ایران و یکپارچه کردن کشور میباشد. (ویکیپدیا).

دو نقشه زیر وسعت ایران را در دوران شکوفای صفویان و ساسانیان مقایسه مینماید



ساسانیان 224-651



صفویان 1502-1736

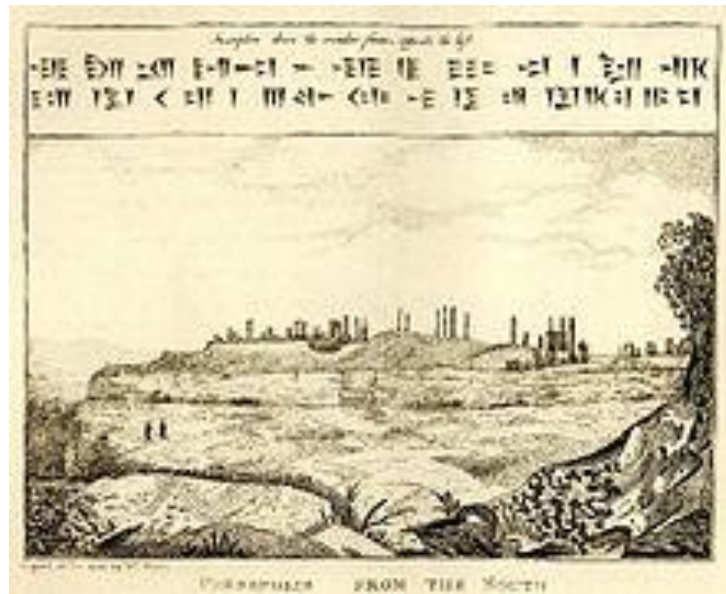
روابط ایران با خارج

در دوره صفوی؛ ایران روابط سیاسی، بازرگانی، مذهبی و گردشگری با کشورهای همسایه و با کشورهای دور اروپایی مانند آلمان، بلژیک، انگلستان، و دیگر کشورها آغاز کرد. تعداد زیادی سیاحتگر اروپایی برای شناخت کشور، ایجاد تجارت و یا بدلائل مذهبی به ایران سفر کردند. به نقل از تاریخ شناس رودی متی (2009) سیاحتگران غرب در سفرهایشان با خیال راحت و خالی از ترس در شهرهای ایران مسافرت میکردند. آنها از مهمان نوازی ایرانیان، امنیتی که دولت برای آنها ایجاد میکرد، هوش و ذکات ایرانی، غذا و آزادی بحث سیاسی و دینی (که در بسیاری از کشورهای مسلمان و غیر مسلمان دیگر غیر قانونی بود) تعریف میکردند. به نظر ایشان ایرانیان و امپراتوری ایران به طور کلی بیشتر از امپراتوری عثمانی و ترک زبان ها مورد علاقه خارجی ها بودند. این موضوعی اتفاقی نبود چون از نظر اروپاییان، ایران کشوری با تمدن و فرهنگ بسیار قدیمی بوده که کاملاً بر عکس ترکان بدون فرهنگ که دشمنان سرسخت مسیحیان اروپای بودند به حساب می آمد. نتیجه این افکار و فلسفه راجع به ایران ازدیاد تعداد سیاحتگران اروپایی در طول قرون شانزدهم و هفدهم میلادی بود. دوران صفوی، دوران رواج و رونق سیاحت و جهانگردی ایران است (سیوری، 1363 شمسی). جهشی که در این دوران در زمینه سیاحت صورت گرفت، موجب توجه اروپاییان به ایران شده و درادوار بعد (یعنی در زمان افشاریه و زندیه و بعداً در زمان قاجاریه) این توجه ادامه یافته و به اوج خود رسید. اکثر سفرنامه‌هایی که درباره‌ی ایران نوشته شده، مربوط به دوران صفویه و بعد آن است. نوشته ها و خاطرات سیاحتگران معروف مانند ژان شاردن فرانسوی و یا افرادی با شهرتی کمتر مانند راهب پطروس دومونت لیبنانوآلمانی نشان دهنده فرهنگ و تمدن برجسته دوران صفوی میباشد (ویکیپدیا). در ضمیمه این نوشتار چندین نقاشی از ژان شاردن که از 1671 تا 1677 در ایران زندگی میکرده آورده شده است.

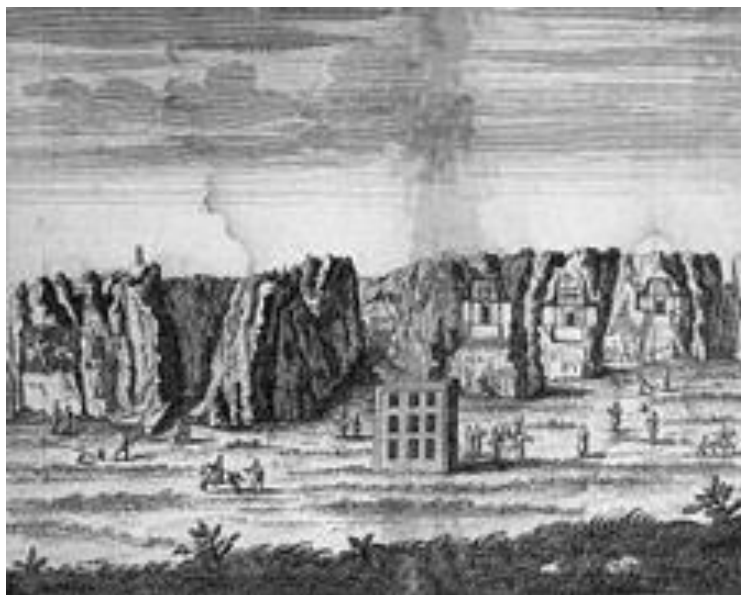
برآیند

صفویه نخستین دولت متمرکز و قدرتمندی بود که پس از اسلام در ایران حکومت کرد و می‌توان اظهار داشت که با تاسیس دولت صفوی دوران جدید تاریخی ایران آغاز شد. خاندان صفوی به هویت ایرانی جان تازه‌ای بخشید و بدین‌ترتیب برای اولین بار، پدیده مرز در مناسبات خارجی ایران شکل گرفت. در این نوشتار، سعی کردم که نکات مهم و تا حدی ناشناخته دوره صفوی را شناسای کرده و خواننده را با جایگاه ایران صفوی در سطح جهانی آشنا کنم. نقش زنان و مذهب در این دوران شایسته بررسی عمیقتر از این نوشته میباشد. افکار مثبت سیاحتگران خارجی درباره اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در این دوره در کنار دیگر امور اجتماعی، هنری و علمی ایران نشانگر پیشرفت شایان ایران صفوی در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی میباشد که اثری مستقیم در قرون بعدی و تا زمان حاضر داشته میباشد.

سفر های شاردن به ایران مسالهای 1671-1677



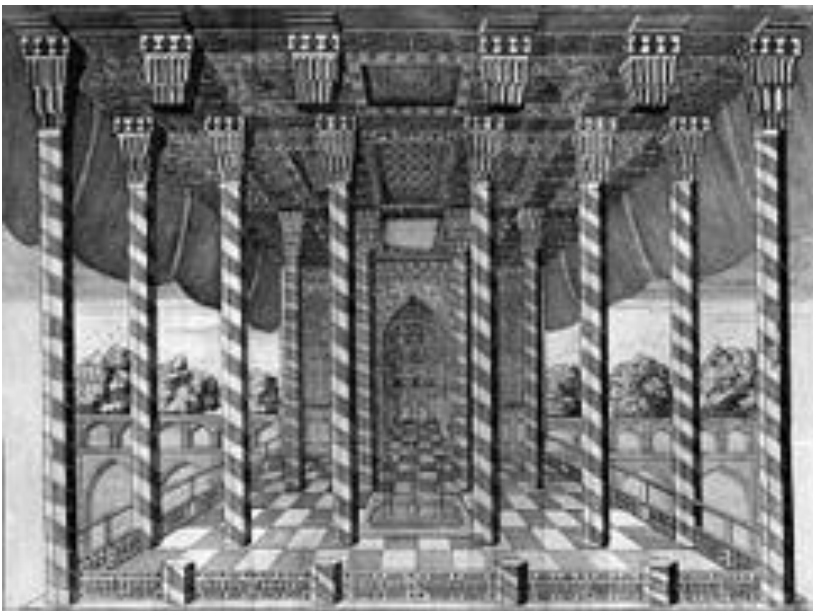
تخت جمشید



نقش رستم



بندر عباس



تالار آینه خانه



شیراز



تبریز



قزلباش

کاشان

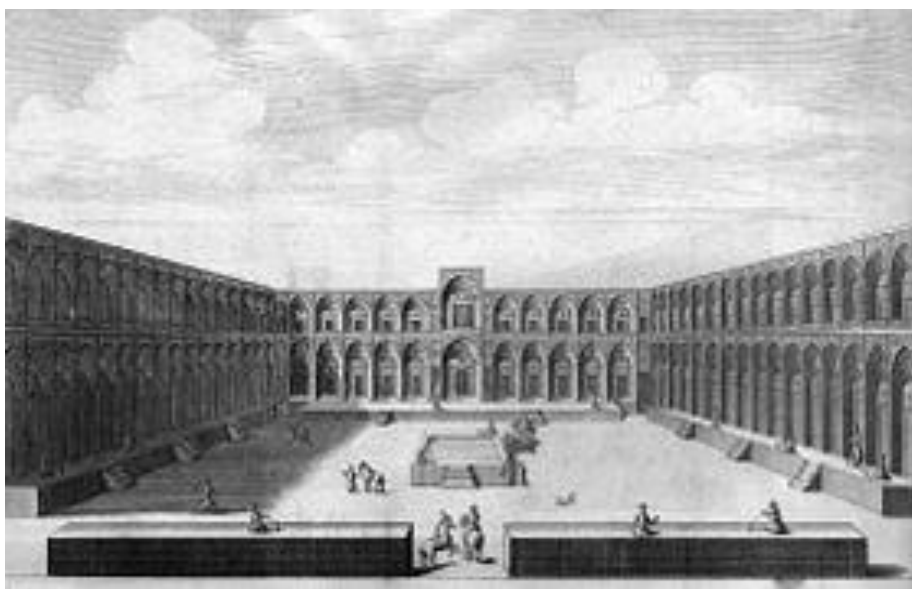




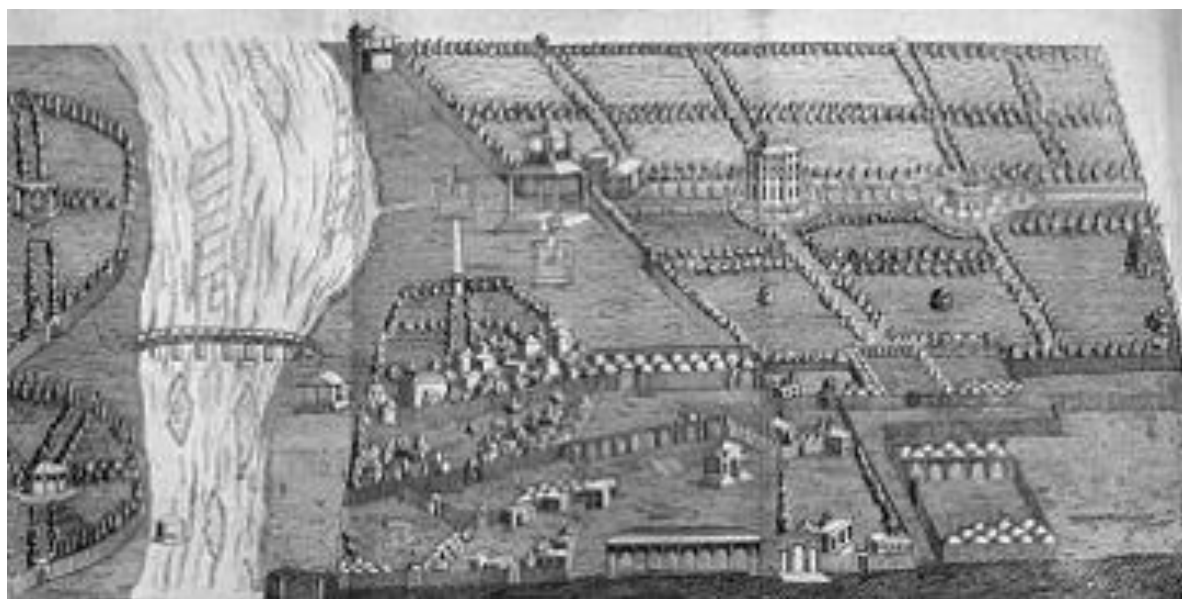
سلطانيه



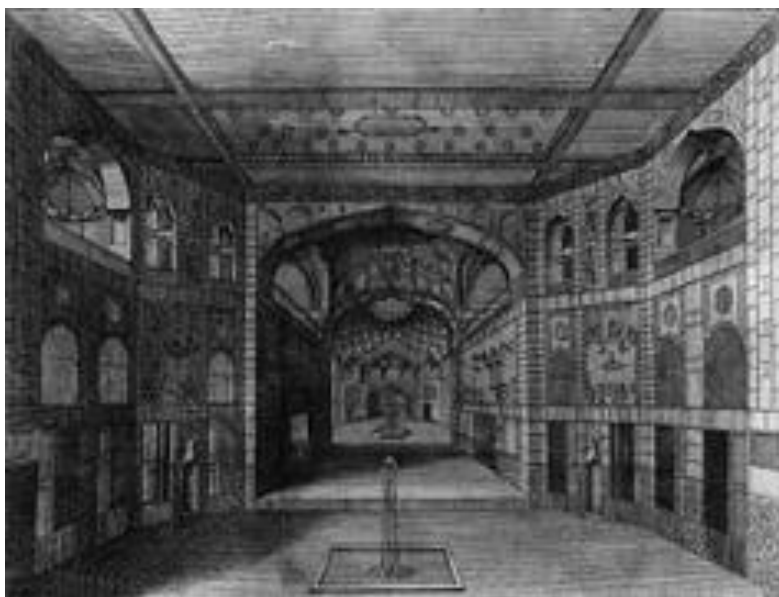
لباس زنان صفوی



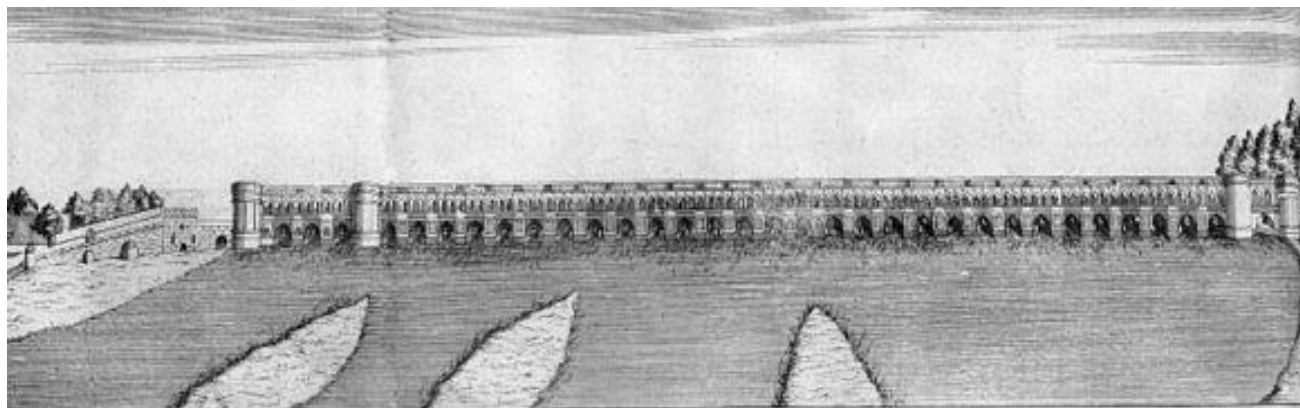
کاشان کاراونسرا



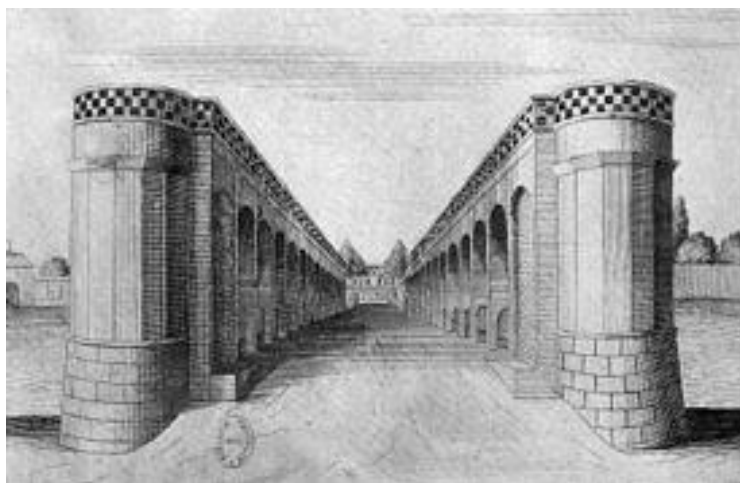
اصفهان کاخ سعادت آباد



اصفهان کاخ چہارباغ



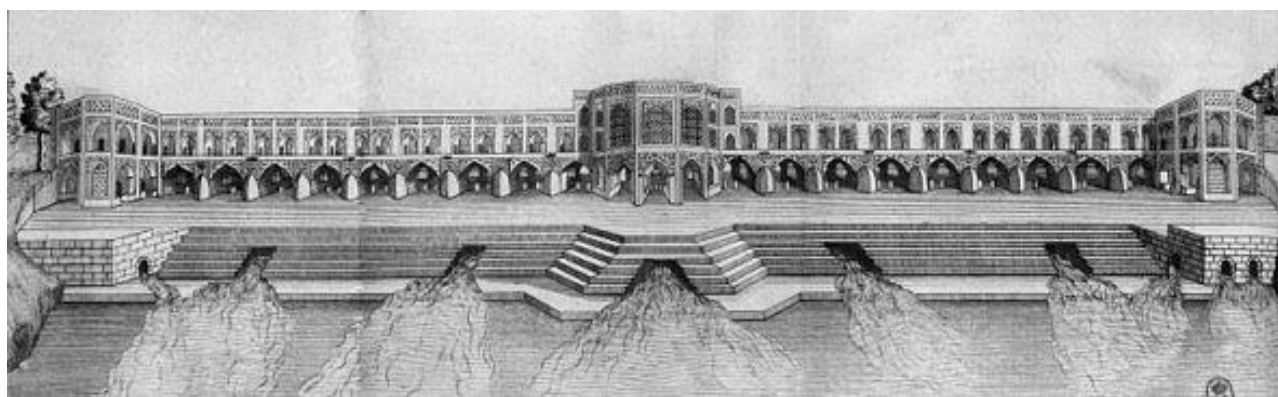
سیوسہ پل



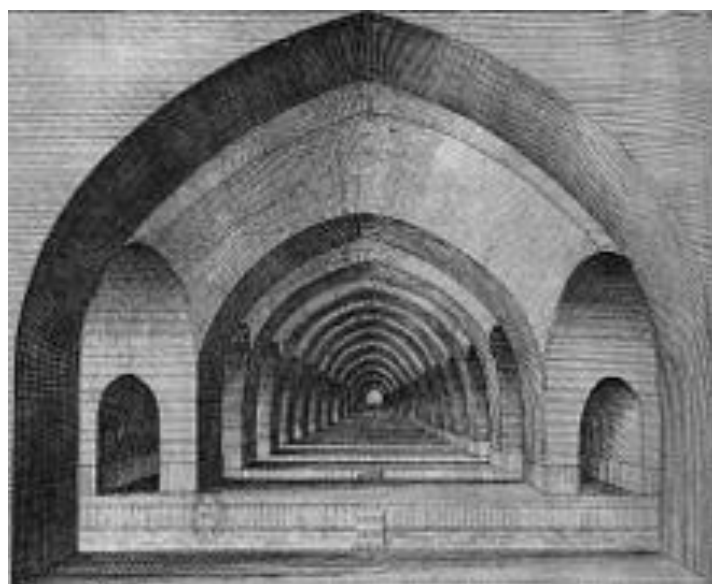
سیوسه پل



آرامگاه شاه عباس دوم



پل خواجو



پل خواجو



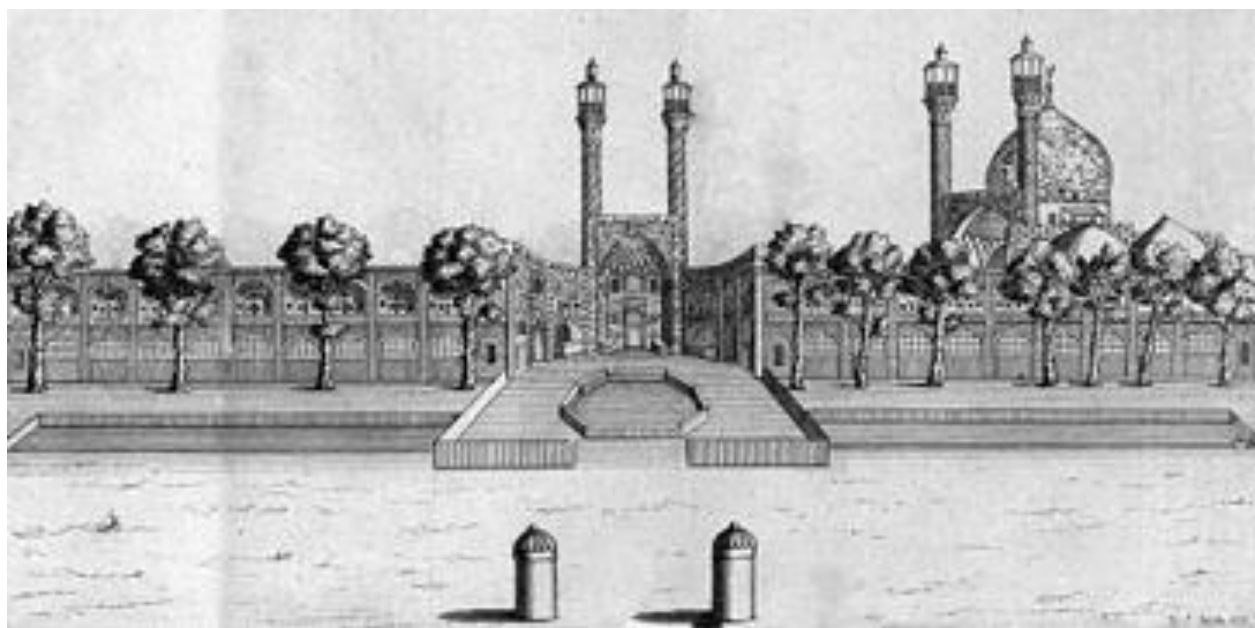
ایزدخواست



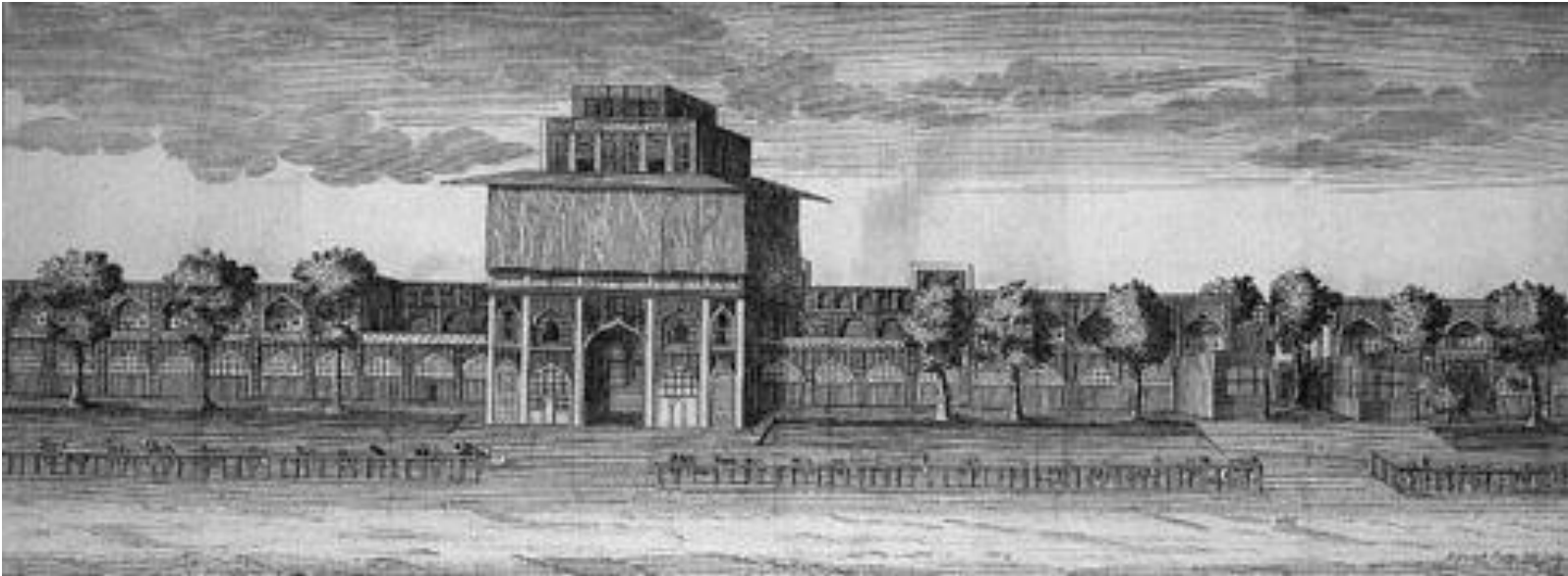
شاه صفی آرامگاه



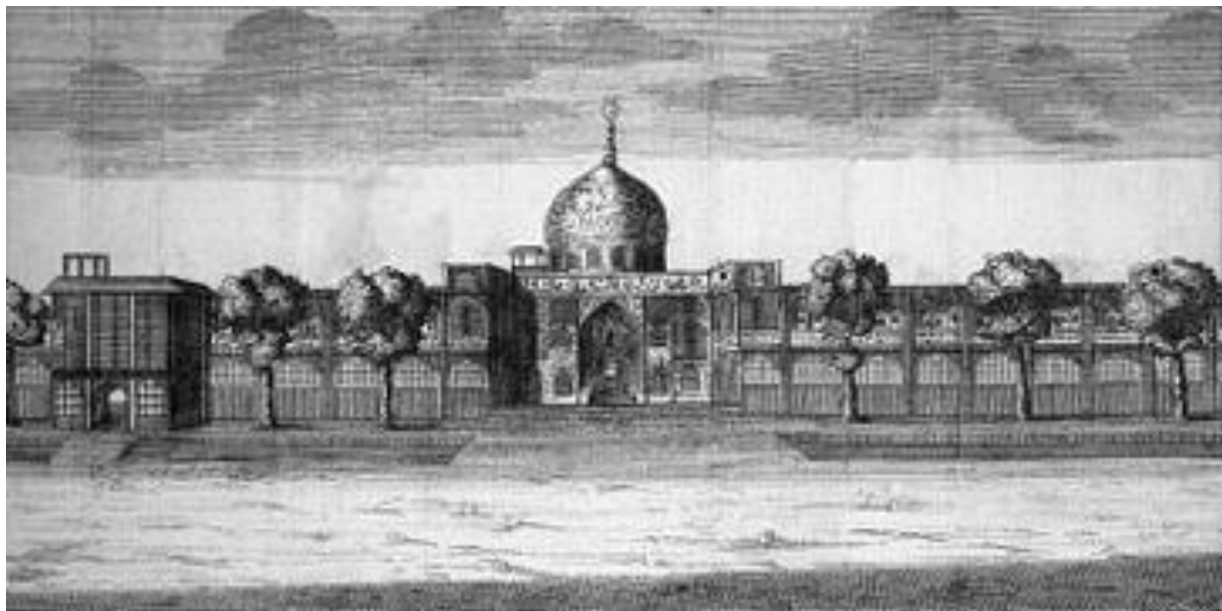
اصفهان چهارباغ



مسجد شاه اصفهان



عالی قاپو



مسجد شیخ لطف الله

منابع

Anooshahr, A. (n.d). The body of Politics and Rise of the Safavids. Chapter one. Safavid Persia in the Age of Empires. Edited by Charles Melville.

Amina Bint al-Majlisi (2020). The Free Encyclopedia.
<https://blog.shops-net.com/41017182/1/amina-bint-al-majlisi.html>

Bess of Hardwick. The Free Encyclopedia
https://en.wikipedia.org/wiki/Bess_of_Hardwick

Britannica. Character of the city. Lonodon.
<https://www.britannica.com/place/London>

C N Trueman “Women in Tudor England” (n.d). Women in Tudor England. History Learning Site.
<https://www.historylearningsite.co.uk/tudor-england/women-in-tudor-england/>

C N Trueman “Henry VII and Trade” (2015). Trade in Tudor England. History Learning Site.
<https://www.historylearningsite.co.uk/tudor-england/henry-vii-and-trade/>

Dynastic Threats. Encyclopedia Britannica
<https://www.britannica.com/place/United-Kingdom/Dynastic-threats>

Elizabeth Barton (n.d). The Free Encyclopedia.
https://en.wikipedia.org/wiki/Elizabeth_Barton

Goli Zavareh, Gholamreza, (2014). Women and the Safavid Leaders. Payam Zan Magazine. No. 161.
<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/3992/4167/%D9%85%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%AF-1384%D8%8C-%D8%B4%D9%85%D8%A7%D8%B1%D9%87-161>

Gunpowder Empire. (n.d). The Free Encyclopedia.
https://en.wikipedia.org/wiki/Gunpowder_empires

Hamel, C. (2017). Safavid Trade During the 17th Century: Iran’s Transit Economy. JMU Scholarly Commons. Middle Eastern Communities and Migrations.
<https://commons.lib.jmu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1006&context=mecmsrps>

History of London. The Free Encyclopedia.
https://en.wikipedia.org/wiki/History_of_London#Early_history

Humag. (n.d). Hunam’s News Magazine.
<https://hunam.biz/the-history-of-coffee-in-iran>

lawler,A. (2009). Isfahan, Iran's Hidden Jewel. Smithsonian Magazine.
<https://www.smithsonianmag.com/travel/isfahan-irans-hidden-jewel-116221512/#:~:text=The%20French%20archaeologist%20and%20architect,out%20into%20a%20city%20that>

Jahandideh, M. and Khaefi, S. (2011). Women's Status during the Safavid Period. Department of Music, Faculty of Fine Arts, Tehran University, Tehran, IRAN
<http://www.wseas.us/e-library/conferences/2011/Lanzarote/SOSOMACTS/SOSOMACTS-22.pdf>

Khan, R. (2012). The Dynasty which Created Iran. Discover Magazine.
<https://www.discovermagazine.com/the-sciences/the-dynasty-which-created-iran>

Parikhan Khanum. The Free Encyclopedia.
https://en.m.wikipedia.org/wiki/Pari_Khan_Khanum

Safavid History. (n.d). The Free Encyclopedia.
https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D8%A7%D9%87_%D8%AA%D9%87%D9%85%D8%A7%D8%B3%D8%A8_%D8%AF%D9%88%D9%85

Sefatgol, M. (2006). Rethinking the Safavid Iran (907-1148/1501-1736). Cultural and Political Identity of Iranian Society during the Safavid Period. Journal of Asian Studies. No 72

Surf Iran.(n,d). The History of Tea in Iran
<https://surfiran.com/the-history-of-tea-in-iran/>

Rudi Matthee. « The Safavids under Western Eyes: Seventeenth-Century European Travelers to Iran », Journal of Early Modern History, 13, 2009, p. 137-171.

Women and Tudor Politics : 1515-50. (n.d). [Elizabeth Barton](https://spartacus-educational.com/Women_Tudor.htm).
https://spartacus-educational.com/Women_Tudor.htm

Zeynab Begum. (n.d). The Free Encyclopedia.
https://en.wikipedia.org/wiki/Zeynab_Begum

